



doi: [10.30497/rc.2024.245168.1998](https://doi.org/10.30497/rc.2024.245168.1998)



Received: 2023/09/16

Accepted: 2024/06/15

Anthropographic analysis of the perceptions and interactions of Arbaeen pilgrims with an emphasis on the concept of Liminality

Aliasghar Yasaghi
Maryam Eskafi Noghani
Reza Abbaspour

Abstract

This research has been conducted with the aim of ethnographic analysis in the perceptions and interactions of the pilgrims of Abu Abdullah al-Hussein (peace be upon him) during the Arbaeen Pilgrimage, focusing on the theories of Geertz and van Jenep and the concept of liminality. Ethnographic method was used to understand the semantic layers of the participants and describe the studied phenomenon. The main tool of data collection has been collaborative observations during several years of travel as both a pilgrim and a researcher, along with semi-structured interviews. The results of the research confirmed the application of the theory of Vangenp and Geertz with Arbaeen pilgrimage. The coding of the interviews ended up in several important categories, the most important of which were long thinking and self-reflection. Also, the strongest type of influence has occurred for the participants through direct participation or indirectly through observing the behavior of others. Hope for a change in the barrier by appealing and enduring suffering on the way to empathy and reviving the name and beliefs of Imam Hussain (AS) was another important category. One of the main motivations for visiting this pilgrimage is to believe in and attend the most charismatic and utopian figure, Imam Hussein (a.s.), followed by Hazrat Zainab, Hazrat Abulfazl, and Hazrat Ali Asghar, among other important results of this research. Finally, it can be said that the most effective stage in this trip is the barrier stage that occurs during the walk, and all important events and developments occur in these fleeting and very short moments, although the participants may exhibit conflicting behaviors. In fact, in this pilgrimage, the path is more important than the destination, which happens to be more important when a person walks this path to achieve effective results.

Keywords: Arbaeen walk, Rethinking, Charisma and utopian personality, Hope in liminality.

Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences Department, Mashhad, I.R.Iran
(Corresponding author).

ali.yasaghi@yahoo.com

0009-0008-8931-5506

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Gonabad branch, Gonabad, I.R.Iran.

meskafi@yahoo.com

0000- 0003-3792-4437

Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Islamic Azad University of Mashhad, Mashhad, I.R.Iran.

abbaspor@yahoo.com

0000- 0003-2347-9838

تحلیل مردم‌نگارانه ادراکات و تعاملات زائران پیاده اربعین با تأکید بر مفهوم آستانگی

علی اصغر یسافی*
مریم اسکافی نوغانی**
رضا عباسپور***

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل مردم‌نگارانه در ادراکات و تعاملات زائران ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام در زیارت پیاده‌روی اربعین با تمرکز بر نظریات گیرتز و ون‌جنپ و مفهوم آستانگی انجام شده است. برای فهم لایه‌های معنایی مشارکت‌کنندگان و توصیف پدیده مورد مطالعه، از روش مردم‌نگاری استفاده شد. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها مشاهدات مشارکتی در طی چند سال سفر به‌عنوان دوگانه زائر و محقق و در کنار آن مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته بوده است. نتایج پژوهش تأییدکننده کاربرد نظریه گیرتز و ون‌جنپ با زیارت پیاده اربعین بود. کدگذاری مصاحبه‌ها به چند مقوله مهم ختم شد که مهم‌ترین آنها تفکر طولانی و خوداندیشی بود. همچنین قوی‌ترین نوع اثرگذاری از طریق مشارکت مستقیم یا به‌طور غیرمستقیم از طریق مشاهده رفتار دیگران برای شرکت‌کنندگان رخ داده است. امید برای تغییر در آستانگی با توسل و تحمل رنج در مسیر برای همدلی و احیای مجدد نام و اعتقادات امام حسین علیه‌السلام از مقولات مهم دیگر بود. از انگیزه‌های اصلی تشریف به این زیارت باور و حضور به اصلی‌ترین شخصیت فرهمند (کاریزما) و آرمانی یعنی امام حسین علیه‌السلام و بعد از آن به ترتیب حضرت زینب، حضرت ابوالفضل و حضرت علی‌اصغر علیهم‌السلام از نتایج مهم دیگر پژوهش حاضر است. درنهایت می‌توان گفت اثرگذارترین مرحله در این سفر، مرحله آستانگی است که در طی مسیر پیاده‌روی رخ می‌دهد و همه اتفاقات مهم و تحولات در همین لحظات گذرا و بسیار کوتاه رخ می‌دهد، هرچند ممکن است از شرکت‌کنندگان رفتارهای ضد نقیض سر بزنند. درواقع در این زیارت، مسیر و راه مهم‌تر از مقصد است که اتفاقاً وقتی بیشتر حائز اهمیت است که فرد این مسیر را پیاده طی کند تا به نتایجی مؤثری برسد.

واژگان کلیدی: پیاده‌روی اربعین، بازاندیشی، شخصیت فرهمند و آرمانی، امید در آستانگی.

* استادیار علوم قرآن و حدیث، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، خراسان رضوی، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
ali.yasaghi@yahoo.com

** استادیار جامعه‌شناسی، واحد گناباد، دانشگاه آزاد اسلامی، گناباد، خراسان رضوی، جمهوری اسلامی ایران.
meskafi@yahoo.com

*** استادیار فقه و حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، خراسان رضوی، جمهوری اسلامی ایران.
abbaspor@yahoo.com

مقدمه

با وجود قیام‌های فراوان در تاریخ بشر، انقلاب امام حسین (علیه‌السلام) و یارانش از مصادیق بارز آن است. ویژگی‌هایی که در طول اعصار، فلسفه راهپیمایی میلیون‌ها نفر به کربلا هر سال به مناسبت روز عاشورا است؛ به علاوه منعکس‌کننده عطش بشریت برای آزادی و خشم مردم علیه بی‌عدالتی اجتماعی، ظلم و ستم و همچنین معرف معنوی و جنبه‌های عملی عشق و وفاداری به سید و سالار شهیدان است که از طریق خون پاک او و فداکاری عزیزانش، روح واقعی اسلام را زنده کرد. بدین ترتیب می‌توان گفت بزرگ‌ترین ویژگی آن احیای اسلامی است که خصایص اصلاح‌طلبانه و بارز خود را حفظ کرده است (Fahs & Ali, 2022, p. 69)، و نمادی از قدرت سیاسی در جهان به‌شمار می‌آید که در قالب مناسک دینی جلوه‌گر می‌شود.

دورکیم^۱ معتقد است، مناسک دینی و عزاداری، یکی از مجراهای مهم است که جامعه (و اصول هویتی دینی فرد و جماعت) از طریق آن بازتولید و وجدان اخلاقی و جمعی در فرد تقویت می‌شود؛ افراد، طی این فرایند با هم پیوند برقرار کرده، به هم نزدیک می‌شوند و ارتباط و صمیمیت درونی بیشتری پیدا می‌کنند. در مجموع، محتوای آگاهی جمعی افراد از طریق حضور در این‌گونه مراسم، برساخته‌شده یا دستخوش تغییر می‌شود؛ افراد، طی این مناسک، از حیات فردگرایانه روزمره، با جهان حیات جمعی، وجدان جمعی و آگاهی جمعی، پیوندی مجدد برقرار کرده، موقعیت و وظیفه‌شان را نسبت به جامعه دینی که منبع هویتی و عملکردیشان است، بازتولید و تقویت می‌کنند (Durkheim, 1915, p. 312، به نقل از خشک‌جان و مسلمی مهنی، ۱۳۹۶، ص. ۶۸).

مقاله مجتبی حسین^۲ (۲۰۱۸)، به تحلیل انگیزه‌ها و تجربیات زائران پیاده در سفر کربلای معلی (عراق) در زیارت اربعین می‌پردازد. این مطالعه یک الگوواره تفسیرگرایانه متشکل از رویکردی پدیدارشناختی را به کار می‌گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که انگیزه‌های زائر پیاده اربعین ناشی از شعائر همیشگی جامعه شیعه و توجه به جامعه (امت) است. عنصر «امت» به‌عنوان انگیزه کلیدی برای کسانی که سابقه چند سال

1. Durkheim
2. Mujtaba Husein

زیارت پیاده اربعین را داشتند، تکرار شد.

مشاهدات محقق در زیارت پیاده اربعین در سال‌های مختلف چنین نظریه‌ای را تأیید نمی‌کند، گویی که وجدان جمعی مورد نظر دورکیم تنها در چند روز تقویت شده و بیشتر به کنش غیرعقلانی عاطفی شبیه است تا تقویت وجدان جمعی و پایبندی گروهی؛ دقیقاً از عصر روز اربعین با جمع شدن موکب‌ها، همه خدمات ارائه شده به زائران تعطیل می‌شود و معمولاً خیلی از زائران، در روزهای پس از اربعین با مشکلات زیادی در زمینه تأمین مکان، غذا، وسیله نقلیه و... مواجه می‌شوند، درحالی‌که همان موکب‌داران روزهای قبل دیگر حاضر به پذیرایی نیستند، هرچند تعداد انگشت‌شماری هم پیدا می‌شوند که این‌گونه نیستند. از این‌رو توجه به ادراکات شرکت‌کنندگان از این مناسک اهمیت زیادی دارد.

تصور و ادراک زائران از زیارت فیزیکی زیارگاه مقدس امام حسین علیه‌السلام، به‌طور گسترده در مطالعات اجتماعی انسان‌شناسی مورد توجه اندیشمندان و محققان قرار گرفته است. این امر همچنین ناظران بین‌المللی را به نظارت دقیق برانگیخته است؛ زیرا اموری مانند این موضوع، در بین سلسله وقایع رخ داده در جهان در سایر بخش‌ها، در چنین مقیاس وسیعی وجود ندارد. همان‌طور که فحث و علی^۳ (۲۰۲۲) در تحقیق خود نشان داده‌اند، علی‌رغم اینکه این نوع زیارت به‌عنوان بزرگ‌ترین جمع از همه اقشار در ابعاد جهانی در نظر گرفته می‌شود؛ اما برخی در حال تلاش به اشکال مختلف هستند که راه‌هایی برای مقابله با این شعائر بزرگ دینی و محو پیام آن در تمام ابعادش پیدا کنند؛ به‌عنوان مثال، به اعتقاد برخی از سکولاریسم‌ها از راهپیمایی پیاده به‌سوی کربلا انتقاد کرده و معتقدند این موضوع، جامعه را مختل می‌کند و زندگی بسیاری از مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنها همچنین تصور می‌کنند که تمدن و رشدی که بر اساس ابزارهای مادی ساخته شده است، با دیدگاه‌های اخلاقی و معنوی جایی در این جامعه ندارد و رسانه‌های بین‌المللی به‌دنبال نادیده‌گرفتن این رویداد جهانی هستند. آنها به‌دنبال پوشش و برجسته‌سازی هر خبری هرچند کوچک در این زمینه در مناطق مختلف جهان هستند. از این‌رو به نظر می‌رسد پژوهش در مورد جنبه‌های مختلف امام

حسین (علیه‌السلام) با محوریت زیارت پیاده اربعین ضروری است. علاوه‌براین، مشاهده برخی تناقضات رفتاری زائران (در قبل از زیارت، حین زیارت و بعد از آن)، در این مناسک، برخی سؤالات را در ذهن محققان ایجاد کرده که آیا واقعاً همان‌طور که درودیان (۱۳۹۷) و تحقیقات دیگر نیز به آن اشاره کرده‌اند، مقاصد و نیات همه این زائران مشترک است؟ منظور از عشق و محبت به الگوی ایثار و عشق در این نوع سفرها و زیارات از نگاه زائران چیست که جلوه آن تنها در ده روز در بین عده زیادی از زائران دیده می‌شود.

مطالعه ناوپن، تیموتی و پاودل^۴ (۲۰۱۵) نقش فاصله اجتماعی را در روابط بین گردشگران مذهبی و گردشگران غیرمذهبی در مکان مقدس لومبینی، نپال، زادگاه بودا، بررسی می‌کند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که هندوها و مسیحیان از لومبینی دیدن می‌کنند؛ زیرا بودایی‌ها را بیشتر از سایر گروه‌ها با ایمان خود همسوتر می‌دانستند. این مطالعه نشان می‌دهد کسانی که خود را زائر معرفی می‌کنند، انگیزه‌های مذهبی بالاتری دارند و کسانی که خود را به‌عنوان گردشگر معرفی می‌کنند، انگیزه‌های تفریحی یا فرهنگی بالاتری دارند. در این پژوهش، فاصله اجتماعی، ساختارهای رابطه‌ای، شباهت‌ها و تفاوت‌های بین مسافران ادیان مختلف در فضاهای گردشگری یکسان را تعیین می‌کند. با این حال، این مقاله شواهدی را ارائه کرده است مبنی بر اینکه همه روابط بین زائران و گردشگران سکولار نیست. این مطالعه نشان داد که اگرچه فاصله اجتماعی بسیار کوچکی در اعضای یک دین وجود دارد، فاصله بین گردشگران هندو و بودایی، گردشگران مسیحی و بودایی در لومبینی نیز نسبتاً کوچک بود؛ بنابراین، هم هندوها و هم مسیحیان نسبتاً به بودایی‌ها نزدیکتر بودند تا به خودشان. این مطالعه موردی این ادعا را در زمینه بودایی تأیید می‌کند که گردشگران بودایی نسبت به گردشگران مسیحی و هندو به‌طور قابل توجهی انگیزه بیشتری برای آمدن به لومبینی داشتند. در نهایت زائران به چهار دسته گردشگر، زائر، توریست یا هیچ‌کدام شناسایی شدند؛ زیرا معنای هر اصطلاح می‌تواند بسته به درک هر فرد متفاوت باشد.

بسیاری از آثار در ادبیات گردشگری شامل شناسایی دوگانگی بین انگیزه‌های مادی و

غیرمادی زائران انجام شده است. برخی نیز (مانند اثر رحمانی، ۱۴۰۱) از دو بُعد متقابل، موافق و مخالف به این زیارت پرداخته‌اند؛ اما در این مقاله به تحلیل تناقضات رفتاری شرکت‌کنندگان با تأکید بر دیدگاه و ادراک آنان از این زیارت پرداخته خواهد شد.

۱. ادبیات تحقیق

واکاوی تحقیقات انجام شده نشان داد که پیاده‌روی اربعین رویدادی با ابعاد مختلف است که افراد زیادی از مردم عراق، ایران و سایر کشورهای اسلامی و غیراسلامی را درگیر خود کرده است؛ اما هنوز همه ابعاد مختلف این رویداد گسترده مورد پژوهش‌های میدانی و کاربردی قرار نگرفته است. بسیاری از تحلیل‌گران حوزه‌های مختلف در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و فرهنگی (Rahimi & Amin, 2020؛ Shalbfafian & Zarandian, 2021؛ یعقوبی؛ اصلی‌پور و میرواحدی، ۱۴۰۰؛ بنی‌اسد، ۱۳۹۸) به این پدیده پرداخته‌اند. همچنین مطالعات زیادی درباره نگاه و معنای ذهنی زائران و میزبانان در این مناسک انجام شده است (طباطبایی و دیگران، ۱۴۰۲؛ رضانی تمیجانی، ۱۳۹۹؛ کرمی قهی، ۱۳۹۹؛ تاج‌بخش، ۱۳۹۹؛ Mujtaba Husein, 2018؛ شراهی و ذوالفقارزاده کرمانی، ۱۳۹۷؛ شکرچی، ۱۳۹۷؛ بد، ۱۳۹۷). در این زمینه کتاب «اربعین‌نگاری» با نگاهی فارغ از ارزش به پیاده‌روی اربعین پرداخته و مفاهیم کلیدی مهم و ابداعی را در خود جای داده است؛ به‌عنوان مثال «اتوپای بریده» یکی از مفاهیم کتاب است که بیان می‌کند در ایام پیاده‌روی اربعین، فضایی به‌وجود می‌آید که در آن بخشش و احسان به یکدیگر بیشتر می‌شود (مبین‌شهر، ۱۴۰۲). بخشی از آثار نیز از دیدگاه کلان (Nikjoo et al., 2022؛ Masoudi & Nourian, 2023؛ تاج‌بخش و عباسپور، ۱۴۰۱؛ طباطبایی و دیگران، ۱۴۰۱؛ عبداللهیان و طباطبایی، ۱۴۰۰) به موضوع نگرینسته‌اند. در بین همه آثار مثبت زیارت پیاده اربعین نمی‌توان آسیب‌های این نوع زیارت را نادیده گرفت. تحقیقات محدودی که در این زمینه انجام شده است گویای این موضوع است. ازجمله پژوهش تاج‌بخش (۱۴۰۱)، شاید جدیدترین تحقیقی باشد که به مطالعه آسیب‌های پیاده‌روی اربعین حسینی پرداخته است. در مقاله عبدالله (۱۴۰۰) تحلیل داده‌های کیفی از ادراک دانشگاهیان، سه مضمون اصلی وحدت‌آفرینی،

ایجاد همبستگی و همدلی را به دنبال داشت که از نظر زائران مهم‌ترین فرصت است. همچنین «نبود بهداشت» و «نبود امکانات سفر» مهم‌ترین ضعف این سفر زیارتی معرفی شده است. از منظر این گروه از دانشگاهیان «فرهنگ‌سازی» و «ارائه خدمات بهداشتی» می‌تواند به بهتر برگزارشدن مراسم پیاده‌روی اربعین کمک کند. پژوهش رحمانی (۱۳۹۸) نیز به نکاتی در زمینه ادراکات زائرین از این سفر اشاره کرده است.

۱-۱. چهارچوب مفهومی

تجربه دینی از دیرباز مورد توجه متخصصان حوزه دین بوده است که یکی از آنها ویلیام جیمز^۵ (۲۰۰۹) است. او در کتاب «انواع تجربه دینی» خود، ویژگی‌هایی را برای تجربه دینی برشمرده است که ربط نزدیکی به سفرها، گردشگری مذهبی، مناسک و آیین‌های مذهبی دارد. تحقیق پولوس، کار و والترز^۶ (۲۰۲۲) با استفاده از سه عنصر، معنا، آیین و تحول تفاوت‌های جزئی بین گردشگری و سفر زیارتی را نشان داده است. گردشگری مذهبی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های گردشگری فرهنگی محسوب می‌شود که ماهیت خود را مدیون اعتقادات مردم به اماکن و اشخاص مذهبی و زیارت آن‌هاست (زال؛ تبریزی و مهرعلی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵، ص. ۸۴). این نوع گردشگری، با محوریت گرایش به امر متعالی و تقدیس نمادهای دینی انجام می‌گیرد. غالباً این سبک از گردشگری با بازدید و یا مشارکت در شعائر دینی، گردهمایی‌های دینی و مراسم آیینی خاص توسط زائران و گردشگران همراه است. عموماً گردشگری مذهبی در قالب تجمعی پیرامون یک مکان مقدس سامان می‌یابد (بد، ۱۳۹۷، ص. ۴۱). رویداد پیاده‌روی اربعین از منظر زیارتی در دسته زیارت‌های خروشان و روان جای می‌گیرد که زائران، آیین زیارتی خود را به صورت دسته‌جمعی از نقطه‌ای دورتر از بارگاه مدنظر آغاز می‌کنند و پس از طی مسیری نسبتاً طولانی به صورت سواره و پیاده به مقصد خود می‌رسند و با به‌جا آوردن مناسکی خاص در آن نقطه، آهنگ بازگشت می‌کنند (شکرچی، ۱۳۹۷).

گیرتز نیز به مناسک بیشتر از باورها توجه دارد؛ زیرا مناسک پدیدآورنده

5. William James

6. Polus, Carr & Walters

واقعی بودن آموزه‌های دینی و بی‌عیب و نقص بودن آنهاست. در مناسک جهان «آن‌گونه که زیسته شده (اخلاق)» و جهان «آن‌گونه که تصور شده (جهان‌بینی)»، تحت عاملیت مجموعه‌ای از صور نمادین در یکدیگر ادغام و به یک جهان واحد تبدیل می‌شوند. با اینکه گیرتز وضعیت آرمانی را یکی شدن یا هماهنگی جهان‌بینی و اخلاق تلقی می‌کند؛ اما اخلاق برای او اهمیت بیشتری دارد. از نظر وی ممکن است جهان‌بینی چنان‌که تصور شده، شیوه زیست‌مان در جهان را شکل دهد؛ اما جهانی که حاصل زیست ماست، به سبب محل زیستن، جهان واقعی است. گیرتز در کتاب «اسلام در کانون مشاهده» می‌گوید تدین تنها شامل وقوف بر حقیقت یا علم به آنچه که تصور می‌رود حقیقت است، نیست؛ بلکه آن‌را به منصف ظهور در آوردن، یعنی زیستن بر مبنای چنین حقیقتی است؛ بنابراین یکی از اهالی بالی بودن، تنها داشتن دیدگاهی معین نسبت به فرد، زمان و رفتار اجتماعی نیست بلکه زندگی کردن با این دیدگاه‌هاست. در واقع راه اصلی رستگاری، به‌جا آوردن مناسک است (Greetz, 1972, p. 126 به نقل از قجفی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۲۲۷).

مناسک در عمومی‌ترین حالت شامل نمایش طراحی شده یا فی‌البداهه است که انتقالی از زندگی روزمره به زمینه‌ای دگرگونه را عملی می‌کند، زمینه‌ای که زندگی روزمره در آن تغییر شکل یافته است (Alexander, 1997, p. 139 به نقل از بوی، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۰). در اظهارات الکساندر^۷ تعریف جایگزین دیگری یافت می‌شود مبنی بر اینکه: مناسک سنتی دینی، زندگی معمولی را به سوی واقعیتی غایی یا نیروها یا موجودات ماورایی می‌کشایند تا اینکه از نیروی تغییردهنده آنها بهره ببرند (به نقل از بوی، ۱۳۹۴، صص. ۱۹۰-۱۹۱). در قرن نوزدهم نظریه‌پردازانی مانند مولر، تیلور و اسپنسر آیین‌ها را عموماً امری ضروری اما ثانوی در امور دینی و اعتقادی می‌دانستند. در این دوره مناسک به‌عنوان مجموعه‌ای از مراسم ثابت فرض می‌شد که مؤمنان آنها را بدون هیچ تغییری تکرار می‌کردند؛ اما معنای این مفهوم در طول زمان تغییر یافت و همان‌طور که مسعودی و نوریان^۸ (۱۴۰۰) در مقاله خود ذکر کرده اند در ویرایش

7. Alexander

8. Masoudi & Nourian

یازدهم دانشنامه بریتانیکا (۱۹۱۰ میلادی)، مناسک عملی سمبلیک توصیف شده است (Masoudi & Nourian, 2023, p. 107)؛ اما نظر ریچاردز^۹ متفاوت است. او معتقد است «تبیین یگانه از رفتار منسکی، هر قدر هم برای مشاهده‌گر راضی‌کننده باشد به نظر من ماهیت نمادگرایی و استفاده از آن را در جوامع انسانی نفی می‌کند. این نمادگرایی هم برای بیان امر پذیرفته‌شده و هم برای امر پنهان و انکارشده به کار می‌رود. همین‌طور این نمادها برای بیان قواعد جامعه و نیز طغیان‌های موردی علیه آن، علایق مشترک تمامی اجتماع و علایق متعارض بخش‌هایی از آن مورد استفاده قرار می‌گیرند. بهره‌گیری از نمادها در مناسک، نوعی از سازش هیجانی را تأمین می‌کند که اکثریت افراد تشکیل‌دهنده یک جامعه را راضی و نهادهای عمده‌ی آن جامعه را نیز حمایت می‌کند (Richards, 1982, p. 169، به نقل از بوی، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۱).

گیرتر مناسک را نوعی جهش و گذر تعریف کرده است و به‌همین علت برخی از افراد پس از اتمام مناسک و بازگشت به زندگی عادی تغییر کرده و انسان‌های متفاوتی می‌شوند. آنها در یک لحظه از زندگی عادی خود بیرون رفته و امر مقدس را تجربه می‌کنند. از نظر او این لحظه گذرا ولی بسیار حیاتی و سرنوشت‌ساز است و در این لحظه یک دگرگونی اساسی اتفاق می‌افتد، از این‌رو تجربه دینی، شیوه خودشناسی افراد، تجربه‌کردن زمان و عملکرد اجتماعی اعضا را تغییر می‌دهد، تعهد عاطفی را تقویت کرده و هدایت‌بخش رفتار است؛ زیرا نخستین حلقه ارتباط از این طریق ایجاد شده و فرد به دین متصل می‌شود (Greetz, 1972, p. 220). نتایج مقاله فلاحی و شاه‌ولی (۱۳۹۹) مؤید این مدعاست. این مقاله نشان داده است که پیاده‌روی اربعین می‌تواند نماد کوچک‌شده و بخشی از اتوپیای وعده داده‌شده به صالحین باشد. ون‌جنپ^{۱۰} (۱۹۶۰) نیز در کتاب مشهور خود، «مناسک گذار» معتقد است، این مناسک هستند که گذار ما را از یک مرحله به مرحله دیگر در زندگی اجتماعی (در چهار مرحله تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ) ساماندهی می‌کنند. او نشان داد گذارها طی سه مرحله انجام می‌گیرند که مهم‌ترین آنها «لیمینال»^{۱۱} است که ما در آن وضعیت، «تعلیق»، «بینابینی» یا

9. Richards

10. Van Gennep

11. Liminal

«آستانه‌ای» را تجربه می‌کنیم. در این وضعیت هنجارهای اجتماعی و اخلاقی معلق و هنجارهای موقت بر رفتارها و تعاملات ما حاکم می‌شوند. ویکتور ترنر^{۱۲} (۱۹۹۱) با تمرکز بر مفهوم لیمنال توانست نقش مناسک را در برساختن و تحول ساختارهای اجتماعی صورت‌بندی کند. او معتقد بود مناسک نه تنها هنجارها بلکه ساختار و نظام قدرت اجتماعی را معلق می‌کند. افراد در این وضعیت در موقعیت‌های موقت اجتماعی قرار می‌گیرند که به آنها قدرت و نفوذی تنفیذ می‌کند که در شرایط روزمره از آن بهره‌مند نیستند (Masoudi & Nourian, 2023, p. 109). ترنر آیین‌ها را به‌عنوان فرایند ورود و خروج از ساختار زمانی و اجتماعی معرفی می‌کند؛ بنابراین، به تغییر وضعیت اجتماعی شرکت‌کنندگان کمک می‌کند (به نقل از Hamdan, 2012, pp. 96-97). او سه مرحله برای مناسک در نظر گرفته است که شامل جدایی، آستانگی و ادغام مجدد است. در مرحله اول، شرکت‌کنندگان از ساختارهای اجتماعی خود خارج شده و به‌سوی فضایی دیگر حرکت می‌کنند. مرحله دوم آستانگی است که اولین بار توسط ون‌جنپ (۱۹۰۹) استفاده شد. او مناسک را «آیین‌هایی تعریف می‌کند که با تغییر مکان، وضعیت، موقعیت اجتماعی و سن همراه هستند» (Turner, 1991, p. 94). مرحله‌ای بی‌ساختار و احتمالاً آشوبناک است و قابلیت برقراری ارتباطی برابر میان اعضای اجتماع را داراست. در مرحله سوم درحالی‌که مرتبه اجتماعی و معنوی آنها افزوده شده است به اجتماع اصلی خود بازمی‌گردند. در این نظریه آنچه برای ترنر حائز اهمیت است مرحله آستانگی است که حالتی است بینابینی، فضایی گنگ و مبهم که آن را نوعی برزخ نامیده است. شرایطی که نوعی ضدساختار را نشان می‌دهد. ضدساختار وضعیتی است که در آن امکان بروز نوآوری، الگوواره یا اصول و فرهنگ جدید وجود دارد. یعنی معناهای جدید در آن تولید می‌شود. او با این مرحله به واژه اجتماع‌واره^{۱۳} رسیده است تا تمایز آن را در زندگی معمولی در فضای روزمرگی نشان دهد. «اجتماع‌واره‌ها خودجوش، بلاواسطه، واقعی و انتزاعی نیستند. اجتماع‌واره جان‌مایه ساختارهاست و درعین حال نقد ساختارها نیز هست» (Turner, 1974, p. 274) به نقل از نصراوی، ۱۳۹۹، صص. ۴۷-۴۸.

12. Victor Turner

13. COMMUNITAS

۴۸). در نقطه آستانگی در واقع شخص به یک حدودگانگی می‌رسد. قله و نقطه اوج حالت آستانگی. شاید به همین علت تجربه پیاده‌روی اربعین نوعی اتوپیا نامیده شده است. «این اتوپیاها به واقعیت زندگی اجتماعی انسانی متصل و از آن جدا هستند... از نظر بلوخ بیشتر اتوپیاها در تاریخ زندگی بشر، با توجه به غیرواقعی بودنشان؛ انتزاعی بوده‌اند. اتوپیاها واقعی به واقعیت امکان‌پذیر متصل بوده و امکان وقوع دارند. این اتوپیاها در درک اکنون از واقعیت، نهادینه شده‌اند و مرتبط با حرکت‌های اجتماعی واقعی هستند» (Sergeant, 2010 به نقل از نصرای، ۱۳۹۹، ص. ۴۹). به این ترتیب می‌توان گفت اتوپیا نمایی از امید است. «امیدی که فقط به‌عنوان احساسی عاطفی نیست بلکه هدایت‌کننده کردار و رفتار به‌طور شناختی است» (Bloch, 1995, pp. 1-12 به نقل از نصرای، ۱۳۹۹، ص. ۵۷). بلوخ گونه‌ای از فرایند را کشف می‌کند، فرایندی پویا که پایان‌پذیر نیست و در عین حال حقیقت و چیز ثابتی هم نیست. گونه‌ای از فرایند را با شدن موقت نه دائمی شناسایی می‌کند: «واقعیت فرایند است، فرایندی واسط و درهم‌پیچیده شده است، میان وضعیت حال، گذشته نامتناهی و از همه مهم‌تر آینده امکان‌پذیر» (Bloch, 1995, pp. 255 به نقل از نصرای، ۱۳۹۹، ص. ۵۸).

۲. روش پژوهش

از آنجاکه هدف این پژوهش، مطالعه عمیق و همه‌جانبه بر روی پدیده مورد مطالعه است، یک پژوهش کیفی محسوب می‌شود. در تحقیقات کیفی، مصاحبه، مشاهده، روش‌های اسنادی و ضبط صدا یا تصویر، روش‌های اصلی گردآوری اطلاعات می‌باشند. منابع و ابزارهای مختلفی مانند مشاهده مستقیم مشارکتی، گفتگو با زائران، پرسش و پاسخ با عراقی‌ها، ثبت وقایع در قالب عکس و گفتگو با افرادی که در غیر از ایام اربعین هم به عتبات عالیات سفر کرده‌اند، از جمله ابزار استفاده‌شده در این پژوهش بود. تکیه بر این روش‌ها به این دلیل صورت گرفته است که همیشه «سلطه دانش و اصول روش‌شناسی کلید فهم نیست بلکه مشارکت، گشودگی، تجربه و دیالکتیک اصل است» (رحمانی و میرزایی، ۱۳۹۶، ص. ۴).

اما اکثر تحلیل‌ها و یادداشت‌های ارائه شده درباره پیاده‌روی اربعین مربوط به

حضور چندروزه محققان در این آیین است که فرصت کافی برای شناخت و مشاهده ابعاد متعدد این رویداد و همچنین احصای نظام‌های معنایی جاری در این رویداد از منظر میزبانان عراقی و زائران فراهم نبوده است؛ اما در این تحقیق برای رسیدن به پاسخ سؤالات، در سفرهای متعدد این زیارت به همراه گروه‌های مختلف خانوادگی، دانشجویی، همکاران و اقشار مختلف مردم در مسیرهای مختلف این پیاده‌روی تجربه شده است و علاوه بر مشاهدات، هم‌کلامی با زائران مختلف ایرانی و غیرایرانی (با کمک مترجم انگلیسی و عرب‌زبان) در مسیر، به غنای کار افزوده است.

از منظر مردم‌نگاری، فهم پدیده‌ای به این گستردگی، یا مستلزم تخصصی کردن آن است، یعنی بُعد یا موضوع خاصی به‌طور جزئی مدنظر محقق قرار بگیرد، یا مستلزم کار مداوم چندساله یک محقق روی این آیین (بهترین حالت ممکن)، یا اینکه حسب مقدمات، یک گروه پژوهشی در فرایند تجربه آیین، تولید داده‌ها و تحلیل آن‌ها به شیوه جمعی و میدانی مشارکت کند (رحمانی، ۱۳۹۸، ص. ۴۰۵). حضور مداوم چندساله و مدنظر قراردادن یک موضوع خاص از جمله ویژگی‌های این تحقیق است که این پژوهش را نسبت به سایر پژوهش‌های انجام شده، متفاوت کرده است.

در برخی از موارد، مشاهده و در برخی دیگر، مصاحبه به‌عنوان بهترین ابزار انتخابی خواهد بود، هرچند در برخی موارد برای یافتن پاسخ سؤالات پژوهش و تقویت یافته‌های حاصل از آن، نیازمند استفاده ترکیبی از روش‌های یادشده برای انجام پژوهش هستیم؛ بنابراین در این تحقیق از روش‌هایی شامل مشاهده و مصاحبه عمیق استفاده شده است. تحلیل داده‌ها، با استفاده از روش تحلیل تماتیک انجام شد. «این نوع تحلیل از متعارف‌ترین و پُرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی به‌ویژه مردم‌نگاری است تحلیل تماتیک ضمن اینکه خود یک روش مستقل تحلیلی است می‌تواند در روش‌های تحلیل دیگر نیز به‌کار رود (محمدپور، ۱۳۹۸، ص. ۳۸۸). در بحث اعتبار داده‌ها، به‌نوعی از روش سه‌سویه‌سازی استفاده شد؛ بدین‌صورت که مصاحبه‌های عمیق، باز، فردی و گروهی در کنار مشاهده مشارکتی، مشاهده آزاد و مستقیم و همچنین همفکری و مشورت با متخصصین در برنامه تحقیقاتی قرار گرفته است. روش دیگر استفاده از نظر دوستان همراه در انجام این تحقیق به‌عنوان مشارکت‌کننده و

اصلاح برخی موارد، بوده است. با توجه به اینکه داده‌های این تحقیق حاصل پنج بار سفر پیاده اربعین است، تعداد زیاد مصاحبه‌ها و تکرار زیاد بسیاری از یافته‌ها، خود به نحو دیگری اعتبار آنها را فراهم کرده است.

۳. یافته‌ها پژوهش

براساس تکنیک تحلیل تماتیک و انجام کدگذاری سه مرحله‌ای، جدول زیر از مفاهیم، تم‌های فرعی و مضامین دست آمد و در سه طبقه دسته‌بندی شد که شامل ویژگی پیاده‌روی اربعین، فرهنگ اعراب به‌عنوان میزبان و ویژگی‌های آستانگی است. مضامین، تم‌های فرعی و واحدهای معنایی هر دسته در جدول زیر مشخص شده است.

جدول (۱): دسته‌بندی مضامین در قالب تحلیل تماتیک

طبقه‌بندی مضامین	مضامین	تم‌های فرعی	واحدهای معنایی	
ویژگی پیاده‌روی اربعین	وحدت در عین کثرت	احساس یگانگی در مسیر	وحدت و گوناگونی جمعیتی	
			وحدت و گوناگونی در کیش	
		گمنامی طبقاتی	احساس یگانگی در مسیر	
			خانواده زیارتی	
فرهنگ اعراب به‌عنوان میزبان	سنت موروثی مهمان‌نوازی	خانه‌های خدا	گمنامی طبقاتی	
			استراحتگاه خیابانی	
		میزبانی چندوجهی	رستوران خویش‌یار شبانه‌روزی	
			میزبانی فردی مشارکتی	
	اشاعه فرهنگی	اشاعه فرهنگ معنوی	میزبانی شخصی - خانوادگی	
			میزبانی سازمانی - نهادی	
		نمادهای دینی حلقه اتصال	انتقال معنا	
			تغییر در سبک زندگی	
	ویژگی‌های	اجتماع‌واره	امید در آستانگی	تابلوی عاشورا
				فرهنگ مادی ابزار شبیه‌سازی
			امید انقلابی	

واحد‌های معنایی	تم‌های فرعی	مضامین	طبقه‌بندی مضامین
امید در آستانگی		(آستانگی)	آستانگی
حاکمیت هنجارهای موقتی	درگیری در فضای آستانگی		
حاکمیت هنجارهای عمومی			
شبیه‌سازی معنوی	جدایی از روزمرگی	تحول تدریجی مرحله‌ای	
تبدیل عقلانیت مادی به عقلانیت ارزشی			
معرفت‌بخشی ماندگار	بازاندیشی و درون‌نگری		
ظرفیت‌سازی درونی			
زیبایی‌شناسی رنج	فرهمندی شخصی	ظهور اتوپیا در قالب فرهمندی	
فرهمندی شخصی			
فرهمندی مکانی	فرهمندی مکانی		
از بی‌نهایت به بی‌نهایت			

وحدت در عین کثرت

به گفته ناوپن و همکاران (۲۰۱۵)، ترنر و ایده‌های او (۱۹۷۸) در مورد اجتماع‌واره این را نشان می‌دهند که زائران از یک‌سو، تجربه‌های مرزی مشابهی مانند وحدت، رفاقت و اتحاد در طول دوره زیارت تجربه می‌کنند و از سوی دیگر تقسیم‌بندی بر اساس قومیت، موقعیت اجتماعی - اقتصادی یا دیدگاه‌های سیاسی محو می‌شود.

وحدت و گوناگونی جمعیتی

زائران از نظر سنّی از نوزادان و شیرخواران تا سالخوردگان، از نظر جنسی، زن و مرد همه شرکت کرده بودند و در بین میزبانان نیز از کودک سه‌ساله تا مردان و زنان سالمند همه در حال خدمت و پذیرایی بودند.

وحدت و گوناگونی در کیش

از نظر مکانی، از کشورها و ملیت‌های مختلف هستند؛ هرچند پس از ملت‌های عرب، بخش عمده جمعیت اربعین را ایرانی‌ها تشکیل می‌دهند. خبرنگاران، عکاسان،

مستندسازان و پژوهشگران از دیگر کنشگران فعال در این پیاده‌روی هستند که در برخی زمان‌ها به‌عنوان میزبان یا زائر، نقش فعالی دارند.

«سال اول که به‌عنوان پژوهشگر شرکت کرده بودم با جمعیت زیادی از زائران از کشور جامائیکا، لبنان، پاکستان و هند برخورد کردم که به عشق امام حسین (علیه‌السلام) آمده بودند. همچنین با زوج سالمندی که از فرانسه به این سفر آمده بودند و برای شخصیت امام حسین (علیه‌السلام) و حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) احترام زیادی قائل بودند» (دکترای جامعه‌شناسی از مشهد)

احساس یگانگی در مسیر

جو حاکم بر مسیر پیاده‌روی با پخش موسیقی‌های معنوی و عربی و زبان‌های دیگر و شرایط فراهم شده برای پذیرایی از زائران چنان دل‌انگیز و خالصانه است که زائر اهل هر دیار و سرزمینی که باشد احساس غربت نخواهد کرد.

«بوی اسپند به این فضا عطر و بوی خاصی داده بود. همه‌جا آب‌پاشی و جارو و تمیز تمیز بود، طنین نوحه‌های عربی و ایرانی، فضا را پُر از احساس کرده بود معنای همه شعر رو نمی‌فهمیدم فقط برخی کلمات را تشخیص می‌دادم ولی با خودم می‌خوندم و با دوستم رو معانیش فکر می‌کردیم. مخصوصاً پخش نوحه‌ها و اشعار عربی که برای غیرعرب زبان نیز تا حدی قابل فهم است و با لفظ زائر و هلابیکم و امثال آن به آنها خوش آمد گفته و از آنها پذیرایی معنوی می‌شود و به این ترتیب زائر را در حالتی معنوی حفظ می‌کند. پخش این‌گونه نوحه‌ها زائران را به یکدیگر نزدیکتر و احساس وحدت و یکی بودن را بین آنها افزایش می‌دهد.»

خانواده زیارتی

درواقع آنچه توسط بسیاری از شرکت‌کنندگان به‌عنوان «خانواده زیارتی» بیان می‌شود، این است که، چیزی که این نوع سفر را بسیار استثنایی می‌کند، احساسات متقابل همبستگی، باهم‌بودن، امنیت و همچنین روحیه جامعه است (Mendel, 2010) به نقل از (Ambrósio, 2020, p. 54).

گمنامی طبقاتی

شرکت‌کنندگان در عین تفاوت‌های ظاهری از رنگ پوست و نوع لباس و...، وحدتی زیبا را در کنار هم نشان می‌دادند که از نظر یکسان بودن در پایگاه و ظاهرشدن در این مناسک با عنوان «شرکت‌کننده» از اثربخش‌ترین جلوه‌های وحدت است که در هیچ مراسم دیگری به این شکل بروز نکرده است. یعنی اصلاً نمی‌توان در بین جمعیت تشخیص داد که هرکس در چه مقام و منصبی است. اکثراً لباس‌های مثل هم پوشیده بودند. زنان با لباس‌های محلی خود و مردان بسیاری از آنان با لباس دیشدآشه عربی مشکی بودند که اگر زبان به سخن نمی‌گشودند، نمیشد تشخیص داد عرب هستند یا ایرانی یا اهل کدام کشور دیگر. خود من با چند زائر صحبت کردم که ابتدا تصورم این بود ایرانی هستند بعد متوجه می‌شدم مثلاً از پاکستان یا کشورهای دیگری آمده‌اند که ظاهر لباس پوشیدنشان مثل ایرانی‌ها بود. کوچک و بزرگ در کنار هم به جلو می‌رفتند. «صبح زود رسیدیم به مرز، یک جمعیت بزرگی شاید چند میلیون نفر بودند از کرد و لُر و ترک و فارس و عرب و حتی زبان‌های دیگر از سراسر دنیا هرچند با ظاهر مختلف؛ اما همه با یک شکل کنار هم راه می‌رفتند برا من که دفعه اولم بود این جمعیت را با این همه تفاوت ولی کنار هم می‌دیدم جالب بود. صحبتی از اینکه هرکسی شغلش کیه چیه از کدوم طبقه است پولداره بی‌پوله و این مسائل نبود» (خانم ۴۳ ساله از بوشهر)

اجتماع‌واره

اجتماع‌واره همان فضای آستانگی است یعنی مرحله دوم از مراحل سه‌گانه مناسک است. یعنی اجتماعی بی‌ساختار که همه شرکت‌کنندگان در آن وضعیت یکسانی دارند. رابطه‌ها در اجتماع‌واره‌ها متفاوت، برابر، مستقیم، موجود، غیرعاقلانه، منطقی و وجودی است. اجتماع‌واره جزئی از زندگی واقعی و حقیقی است که هویت‌ها در آن ادغام نمی‌شود بلکه از متابعت و پیروی به سوی هنجارهای عمومی آزاد می‌شوند. فضای این ساختارها به گونه‌ای است که شرکت‌کنندگان با ورود به آن، دچار تغییر و دگرگونی نامحسوسی می‌شوند که لحظه‌ای نیست بلکه بیشتر مخفیانه است، براین اساس هویت او در این فرایند تغییر می‌کند تا در نقطه آستانگی به اوج خود برسد؛ البته این نقطه برای

همه و همیشه رخ نمی‌دهد. بستگی دارد که هدف شرکت‌کننده رسیدن به آن نقطه باشد یا نباشد (Turner, 1974, p. 274 به نقل از نصرای، ۱۳۹۹، صص. ۴۷-۴۸).

درگیری در فضای آستانگی

شرکت‌کنندگان در طول مسیر با صحنه‌هایی از روابط برخورد می‌کنند که فقط در این مسیر در همین چند روز دیده می‌شود، قبل و بعد از آن دوباره همان وضعیت قبلی ادامه دارد.

«رفتارهای ضد و نقیض اطرافیان عجیب به نظر می‌رسید؛ اول که در مسیر رفتن به مرز بودیم، همه آنقدر با هم گرم و صمیمی بودند که احساس غریبگی معنا ندارد ولی در عین ناباوری بعد از اتمام پیاده‌روی، همان آدم‌ها، رفتاری کاملاً برعکس نشان می‌دهند» (دکترای جامعه‌شناسی از مشهد).

حاکمیت هنجارهای موقت

در طول مسیر مرز مهران هیچ‌کس از هیچ‌کس انتظاری ندارد، هیچ‌کس از رفتار دیگری ناراحت و دلگیر نمی‌شود، همه نسبت به هم مهربان و مؤدب رفتار می‌کنند و سعی در همکاری و کمک به یکدیگر دارند. اگر پایه کالسکه یا چرخ کسی به پای دیگر اصابت کند برخی از آنها حتی نگاه نمی‌کنند که چه اتفاقی برای پای آنها افتاده یا چه کسی صاحب آن چرخ یا کالسکه است یا منتظر عذرخواهی نمی‌شوند و به آرامی به راه خود ادامه می‌دهند و حتی وقتی عذرخواهی را می‌بینند، بسیار مهربانانه سر تأیید تکان داده و هیچ شکایتی بروز نمی‌دهند. وقتی دست کسی به چیزی نمی‌رسد دیگران سهم خود را به او داده و با آرامش خاطر به راه خود ادامه می‌دهند. وقتی لیوان آب یا شربت که دست یکی از زائران است، زائر دیگری آن را طلب کند بدون هیچ سؤال یا شکایت یا کوچک‌ترین واکنش منفی به راحتی به او هدیه می‌شود. وقتی در جایی صف برای دسترسی به خدمتی وجود دارد، به راحتی نوبت خود را به دیگری می‌بخشند یا حتی دوباره در صف ایستاده و برای او می‌گیرند و به دستش می‌دهند و به او اجازه نمی‌دهند در صف بایستد. کمتر مشاهده می‌شود که کسی به فکر فرصت‌طلبی از نوع منفی باشد یا بخواهد از همسفر خود سودجویی یا سواستفاده کند. همه با یکدیگر دوست شده و با هم صحبت می‌کنند و حتی از مصاحبه‌کردن لذت می‌برند و با اشتیاق کامل وقت

خود را در اختیار محققان قرار می‌دهند.

حاکمیت هنجارهای عمومی

متأسفانه در طول مسیر صحنه‌های زیادی دیده می‌شد که زائرین سر جای خواب یا مسائل بی‌اهمیت و کوچک رفتارهایی مانند پرخاشگری، ناسزا، تهمت و یا قهر و بی‌توجهی نسبت به یکدیگر نشان می‌دهند که در این مسیر از آنها انتظار نمی‌رود و چه بسا پس از اتمام پیاده‌روی انجام برخی کنش‌ها به گونه‌ای است که شبیه یک زائر نیست.

«روز اربعین بود که پیاده‌روی تمام شد و ما بعد از خواندن دعا و وداع با امام حسین (علیه‌السلام) به سمت اتوبوس‌ها حرکت کردیم. بعد از سوار شدن در اتوبوس و نشستن بر روی صندلی‌ها، همان آدم‌هایی که در مسیر رفت مثل فرشته‌ها مهربان بودند با تندی زیاد با ما برخورد کردند که اینجا جای ماست چرا اینجا نشستید با اینکه در اتوبوس جای برای همه بود و حدود یک‌ساعت این ناراحتی و تندی کردن ادامه یافت تا با صحبت مسئول گروه سکوت بر فضای اتوبوس حاکم شد؛ اما دیگر خبر از مهربانی‌های زمان رفتن نبود» (دکترای جامعه‌شناسی از مشهد).

امید در آستانگی

همان‌طور که نصرای (۱۳۹۹) ذکر کرده است، در سفر، نوعی وسوسه برای کشف جایی جدید متفاوت از محل زندگی قبلی دیده می‌شود؛ اما بلوخ به اتوپیا به‌مثابه بشر به‌جای مکان یا فضا می‌نگرد. «او بیان می‌کند مفهوم مرکزی امید ظرفیتی است که در بشر می‌تواند او را به آفریده‌ای خداگونه تبدیل کند (به نقل از نصرای، ۱۳۹۹، ص. ۲۹). بر این اساس نصرای چنین نوع نگاهی را «شخص اتوپیک» (نصرای، ۱۳۹۹، ص. ۲۹) نامیده است.

امید انقلابی

بلوخ «امید» را به حسرت و اشتیاق به اتوپیا (آرمانشهر / ناکجاآباد) مربوط می‌داند. به عقیده او، آرمان‌شهرهای دینی، بیانگر امید انقلابی به یک نحوه وجود بهتر و کاملاً متفاوت هستند. این آرمان‌شهرهای دینی مطلقاً آرامش‌بخش (افیون توده‌ها) نیستند بلکه علی‌الاصول موجب تحول و دگرگونی می‌شوند (استراترن، ۱۳۸۶، صص. ۶۶-۶۷).

سنت موروثی مهمان‌نوازی

در سمت راست مسیر هشتاد کیلومتری نجف به کربلا دیگر جایی برای زدن موکب باقی نمانده است و هرکس به قدر وسع و همت خود، مشغول پذیرایی از زائران اربعین است. با وجود اینکه نه مهمانان، زائران را می‌شناسند و نه زائران، مهمانان را. این مهمان‌نوازی مخصوص مسیر نجف به کربلا نبود و در همه مسیرهای دیگر پیاده‌روی هم به چشم می‌خورد، برخی موکب‌ها در حد یک چادر بودند جهت استراحت، برخی‌ها کولر آبی هم داشتند. برخی علاوه‌بر کولر، سرویس بهداشتی هم داشتند. هرکسی، در هر سنی و با هر توانی، در این مسیر خدمت می‌کرد.

میزبانی چندوجهی

در سراسر مسیر با اشکال مختلف میزبانی روبه‌رو بودیم که نشانه مهمان‌نوازی و خونگرمی در عرب‌ها بود. از هر مسیری که می‌رفتیم نوع پذیرایی‌ها، نوع خدمات و ابعاد آن برای من خیلی جالب بود. منازل شخصی که خانوادگی یا عشیره‌ای از کوچک تا بزرگ به زائران خدمت می‌کردند. گاهی نیز شکل فردی به‌صورت دوگانه میزان-زائر را به خود گرفته بود. هرکس با توجه به شرایط خود به نحوی مشغول پذیرایی بود.

موکب‌های شخصی و خانوادگی

خادمان که در منازل، مواکب و طول مسیر به خدمت به زائران می‌پرداختند، اکثراً مردها از سنین کودکی تا سالمندی بودند و زنان به‌عنوان نقش پشتیبان، کار تهیه نان و غذا و... و میزبانی از زائران زن را بر عهده داشتند. بسیاری از موکب‌ها منازل شخصی بودند که خانه‌های خود را تبدیل به موکب کرده بودند و زائران را با اصرار زیاد به خانه‌های خود هدایت کرده و از کوچک‌ترین فرد در منزل تا بزرگ‌ترین آنها به خدمت‌رسانی مشغول می‌شدند.



شکل (۱): نمایی از تصویر بوسه یک موکب‌دار به پای یک زائر

موکب‌های سازمانی - نهادی

به غیر از این موکب‌داران، گروهی از میزبانان در تأمین امنیت و گروهی در زمینه خدمات عمومی، بهداشتی و درمانی به زائران، خدمت ارائه می‌کنند. برخی از این اماکن که شامل همه نوع امکاناتی می‌شود و بسیار بزرگ هستند توسط دولت عراق اداره می‌شوند به طوری که حتی کسانی که زائران را در قبال گرفتن کرایه، به مسیرهای مختلف انتقال می‌دهند نیز اسم این موکب‌ها و آدرس آنها را کامل می‌دانند. در این موکب‌ها امکانات زیادی از قبیل کولر، خدمات شارژ، وایفای، وسایل پزشکی و داروخانه، درمانگاه، حمام، رخت‌آویز، یخچال، پتو، ماشین لباسشویی و... برای آسایش حال زائران وجود داشت و تعداد زیادی خدمه به خدمات‌رسانی مشغول بودند که لباس مخصوص به تن داشتند. یکی از این موکب‌ها که بسیار معروف است، مدینه‌الزائر نام دارد که هر ساله زائران زیادی را پذیرایی می‌کند. این موکب دارای چندین نگهبان برای رسیدگی به مسائل امنیتی مانند گم‌شدن وسایل زائرین و مانند آن شبانه‌روزی مشغول به کار هستند.

میزبانی فردی مشارکتی

برخی هم در نقش زائر هم میزبان در طول مسیر خدمات‌رسانی داشتند، به طوری که هم

در مسیر پیاده‌روی قدم می‌زد، هم با مهارتی که داشت به‌صورت رایگان خدمات ارائه می‌کرد؛ به‌طور مثال پزشکی که بر روی کوله پشتی خود برگه‌ای بزرگ چسبانده و نوشته بود: «من پزشکم اگر مشکلی در سلامتی خود احساس کردید به من مراجعه کنید». یا زائر دیگری که تعمیرات عینک داشت و بر روی کوله‌پشتی خود خدماتی که می‌توانست برای عینک ارائه دهد را ذکر کرده بود. او همراه دیگر زائران به پیاده‌روی مشغول بود و در طول مسیر هرکس نیازی به مهارت او داشت، برای او انجام می‌داد. موارد دیگر از قبیل مانند مشاوره طب سنتی، خدمات خیاطی، تعمیر کالسکه، ویلچر، چرخ دستی و مانند آن نیز مشاهده می‌شد.

خانه‌های خدا

منظور از خانه خدا، شامل هرچیزی مانند موکب، خانه شخصی، حسینیه، مکانی مانند چادر برای استراحت و خواب، مکانی فقط برای صرف چای، آب و نوشیدنی یا ساختمانی کامل برای رفع همه نیازهای اصلی در حد چند ساعت زندگی کردن است، در هر زمانی که اراده کنی.

رستوران خویش‌یار شبانه‌روزی

دیدن صحنه پذیرایی میزبانان عراقی از زائران امام حسین (علیه‌السلام) بسیار دیدنی و جذاب است. اینکه در طول مسیر در تمام این سه روز پیاده‌روی در زیر گرمای سوزان و در تمام اوقات شبانه‌روز به‌خودی‌خود می‌تواند درس بزرگی برای همه زائران داشته باشد.

«صبح زود زدیم. بیرون آنقدر هوا خوب بود که حد نداشت. یک‌جا یک غذایی شبیه حلیم ایرانی می‌دادند با سیب‌زمینی آتیشی گرفتیم خوردیم و راه افتادیم. میزهای صبحانه با انواع صبحانه‌های متنوع از کره، پنیر، خیار و گوجه گرفته تا تخم‌مرغ، سیب‌زمینی پخته، عدسی و نوعی سوپ مخصوص عرب‌ها، همراه با نوشیدنی گرم مثل چای، شیر، شیرکاکائو. فقط باید انتخاب می‌کردیم و همانجا سرو می‌کردیم و البته همه میزبانان تمایل داشتند ما از صبحانه آنها استفاده کنیم؛ دقیقه‌ای نبود که از پذیرایی خبری نباشد از کله سحر تا نیمه شب به‌طور شبانه‌روزی خدمات پذیرایی آماده بود».

استراحتگاه خیابانی

در طول مسیر خدمات زیادی برای آسایش حال زائران وجود دارد؛ به‌طور مثال وجود چادرهای بزرگ و خیلی ساده با یک کولر برای گرفتن خستگی و استفاده از کولر برای رفع گرمادگی در کنار خیابان، همچنین وجود حصیر، فرش یا موکتی که بدن زائران را با دست یا با دستگاه‌های مخصوص ماساژ می‌دهند؛ در چند جا مشاهده شد که چند صندلی گذاشته شده که زیر هر صندلی یک طشت آب است و یکی یکی زائران را روی صندلی نشاند و پاهایشان را با آب ولرم شست و شو می‌دهند.

اشاعه فرهنگی

همان‌طور که از مفهوم آن مشخص است زمانی انجام می‌شود که اجزاء و عناصر فرهنگی از جمله آداب لباس پوشیدن، خوردن، صحبت کردن و مانند آن از یک جامعه به جامعه دیگر سرایت کند. این اتفاق می‌تواند از طریق سفر و یا به اشکال دیگر رخ دهد؛ به‌طور مثال پوشیدن چادر عربی که در ایران بسیار متداول و رایج شده است می‌تواند نوعی اشاعه فرهنگی باشد.

تغییر در سبک زندگی

یکی از اثرهای جذاب و اثرگذار پیاده‌روی اربعین انتقال برخی الگوهای سبک زندگی است که زائران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سعی می‌کنند در زندگی خود آن را اجر کنند.

«امسال اربعین از مسیر حله رفتیم بینیم چه فرقی با مسیرهای دیگر دارد. در این مسیر صبحانه‌هایی می‌دادند که برایم خیلی لذتبخش بود که دوست داشتم از همه آنها امتحان کنم ولی یکی از همه بیشتر منو جذب کرد، ساندویچ سیب زمینی پخته با نیمرو بود که خیلی به من چسبید. من که در ایران کلاً اهل صبحانه خوردن نبودم، از وقتی برگشتم ایران میل به صبحانه خوردن پیدا کردم و سعی کردم مثل اون صبحانه برای خودم و اطرافیانم درست کنم و برای هرکس درست کردم آنقدر همه تعریف کردند که چه جالب بود چقدر خوشمزه بود چیه تو این ساندویچ که آنقدر خوشمزه است و هفته‌ای دو بار اقبالاً صبحانه من همین است و منو به اون خاطرات می‌برد» (خانم ۵۲ ساله با مدرک دکترا، استاد دانشگاه از تهران).

انتقال معنا

سفر فیزیکی همواره به زائران یادآوری می‌کند که آنان در جستجوی امری مقدس هستند؛ اما آنچه برای سفر زیارتی لازم به نظر می‌رسد سفر درونی و جست‌وجوی معناست (پویافر، ۱۳۹۷، ص. ۴۳). سفر زیارتی برای زیارت امام حسین (علیه‌السلام) به شکل پیاده‌روی در ایام اربعین شاید بتواند به بهترین شکل این ضرورت را برای زائر فراهم نماید؛ زیرا آنچه در زیارت پیاده بیشتر مشاهده می‌شود مسیر زیارت است و اگر قرار است معنایی شکل بگیرد در طول مسیر با مشاهدات مکرر در ده روزه اربعین به‌وقوع خواهد پیوست که بخشی از آن دیدن محبت قلبی و خالصانه عرب‌ها به خاندان اهل بیت (علیهم‌السلام) است و اینکه چطور با وجود وضعیت مالی ضعیف، هرچه دارند را به بهترین شکل در طبق اخلاص قرار می‌دهند.

«هوا شدیداً گرم بود. ساعت ۱ ظهر بود که خسته از راه رسیدیم. رفتیم یک جایی موکبی بود که عرب‌ها میزبان آن بودند همه مرد بودند جایی برای استراحت خانم‌ها نبود، ما چهار تا خانم بودیم یا سه تا مرد. همراهی مرد ما رفت باهاشون صحبت کرد بعد از چند دقیقه ما را به جایی پشت موکب هدایت کردند که منزل شخصی بود و با اینکه موکب نبود و جایی برای استراحت در نظر نگرفته بودند ولی چون زائر امام حسین (علیه‌السلام) بودیم به ما هم جا دادند. وقتی رفتیم داخل دیدیم به جای فرش، زیلو و حصیر پهن بود؛ کف حمامش موزاییک بود یک حمام کوچک و فقیرانه ولی همونو در اختیار همه قرار داده بودند؛ از وضع امکانات و خونه مشخص بود که وضع زندگی خوبی ندارند ولی برای زائر امام حسین (علیه‌السلام) از جان و دل مایه می‌گذاشتند در حیاط غذا درست می‌کردند پلو عدس همان که داشتند را سر سفره می‌گذاشتند تا همه استفاده کنند، تو یک اتاق کوچک هم سفره پهن کرده بودند که هرکس میاد ناهار بخوره. یکی شون به زبان عربی به ما گفت اینجا جایی برای استراحت نداریم فقط ناهار هست ولی شما بفرمایید تو این اتاق راحت باشید کسی نمیاد اینم حمام اگر خواستید می‌تونید استفاده کنید» (خانم ۴۲، ساله از تبریز).

نمادهای دینی، حلقه اتصال

نمادهای دینی نشانگر فرهنگ مادی و غیرمادی در یک جامعه است. فرهنگ مادی عناصری فرهنگی در یک جامعه است که محصول دست خود آنهاست و نشانگر هنجارها و ارزش‌های معنوی آن جامعه است.

تابلوی عاشورا

در بسیاری از مواقع مقدس بودن مکان، بهترین دلیل برای انجام برخی خریدها از طرف شرکت‌کنندگان است چون برای آنها نقش نمادین دارد. وجود برخی نمادها تا حدی اثرگذار است که انسان را به سوی خود می‌کشاند؛ زیرا می‌تواند نقش حیاتی در زندگی انسان‌ها بازی کند.

«تو مشهد که بودیم، با دوستم ی جایی رفتیم روضه، تو زیرزمین، روبه‌روی ما یک تابلو فرش بزرگ از واقعه عاشورا به دیوار بود. دوستم گفت: «با گوشتیت یک عکس از این برام بگیر بفرست تو ایتا، بین همین تابلو دیواری یک دنیا حرفه خودش یک عاشوراست». اون روز حالش دگرگون بود؛ یکسره نگاهش به تابلو بود و تندتند سینه می‌زد. بعد از مراسم از صاحبخونه پرسید این تابلو را از کجا گرفتید گفتند از کربلا. خلاصه همین تابلو برایش انگیزه شد که با من بیاد پیاده‌روی اربعین و وقتی رسیدیم به کربلا از یک خیابانی که همیشه می‌رفتیم حرم سر خیابان یک فروشگاه بود از این تابلوها داشت. کلی ذوق کرد و خلاصه تابلو را خریدیم و رفتیم زیارت و با خودش برد خونه‌اش برای روضه‌هاش یادگاری از کربلا داشته باشه» (خانم پنجاه‌ساله از آذربایجان غربی).



فرهنگ مادی، ابزار شبیه‌سازی

در بسیاری اوقات ارتباط با عنصری از فرهنگ مادی در یک جامعه، راه را برای پیشرفت معنوی هرچند ظاهری برای انسان باز می‌کند؛ زیرا ممکن است در یک جامعه عناصر فرهنگی قوی‌تر و برتر از جامعه دیگر باشد و انتقال این نوع عناصر مادی بتواند انسان را به آن فرهنگ برتر نزدیک کند.

«من دانشگاه تدریس می‌کنم و چون با چادر کشی برام سخت بود تدریس کنم وقتی سر کلاس می‌رفتم چادرمو را درمی‌آوردم تا بتونم راحت‌تر تدریس کنم ولی بازم معذب بودم و تو فکر بودم چکار کنم که بتونم با چادر تدریس کنم. وقتی اوادم کربلا رفتم یه مغازه چادرفروشی ی چادر عربی دیدم قدش دقیقاً اندازه من بود، یعنی حتی لازم نبود کوتاهش کنم. آنقدر قشنگ و محکم رو سرم وامیستاد که دیگه از اونجا برگشتم همون شد حجابم و چادر کشی را کلاً گذاشتم کنار چون دوست داشتم حجابم برتر باشه و این سفر برام این سوغات فرهنگی را هم داشت» (استاد دانشگاه).

تحول تدریجی مرحله‌ای

یکی از انگیزه‌های زیارت و سفر به مکان‌های زیارتی تغییر است. والیس^{۱۴} درباره مکان زیارتی گرند زیرو^{۱۵} چنین می‌گوید: «ما فقط به نیت به‌جا آوردن فرایض دینی از مکان‌های مقدس دیدن نمی‌کنیم ما به دنبال تغییر هستیم...» (به نقل از پویافر، ۱۳۹۷، ص. ۴۴). زیارت نوعی تحرک دینی و یکی از قدیمی‌ترین مظاهر بیان دینی است که ظرفیت پاسخگویی به نیازهای معنوی مشارکت‌کنندگان و ارزش‌های مرتبط را در خود دارد. تجارب زیارت ممکن است مثبت باشد و زندگی را تغییر دهند؛ در تحقیق کیم، سم کیم و کینگ^{۱۶} (۲۰۱۶) در مورد زیارتگاه سانتیاگو شش ویژگی مهم از مجموع ۱۴ مشخصه به دست آمد که قابل توجه‌ترین آنها تفکر طولانی و خوداندیشی بود. این ویژگی یکی از مهم‌ترین نتایج تحقیق حاضر نیز بوده است که در مرحله آستانگی رخ می‌دهد.

جدایی از روزمرگی

وارد یک خیابان بزرگ شدیم. دیدم خیلی از جمعیت کنار هم رو زمین بدون فرش و هیچی، غرق خواب بودند. چنان خوابیده بودند انگار در بهترین و راحت‌ترین تخت و یک جای گرم و نرم خوابیدند. وسایل‌شان کنارشان بود. انگار نگران اینکه کسی آنها را بردارد نبودند. با همان لباس‌های غیرراحتی خوابشان برده بود. فارغ از هر جور قضاوت و برداشتی که از رفتارشان بشود راحت خوابیده بودند. این جور چیزها خیلی توجه مرا جلب می‌کرد.

«وقتی پیاده میری فرصت خوبیه برای تجدید قوا برای که از بیرون از جهان بیرون خودت جدا بشی و بری تو یک دنیای دیگه. واقعاً تو این زیارت از روزی که وارد خاک عراق میشی، انگار رفتی تو یک دنیای دیگه. همه دغدغه‌های اون دنیا که قبلاً توش بودی دیگه نیست. به هیچی دیگه فکر نمی‌کنی. ی آرامشی سر تا پاتو میگیره که دوست نداری برگردی حیف که زود تموم میشه».

این طور به نظر می‌رسد که انگار زائر در این فضای زیارت به آرامش می‌رسد. گویی

14. Wallis

15. Ground Ziro

16. Kim, Sam kim & king

که در دنیایی دیگر است و دوست ندارد از آن خارج شود. زیارت پیاده در واقع نوعی سفر است که انسان برای فرار از عالم بیرون به آن پناه می‌برد تا چند روز از دنیا بی‌خبر باشد و دوباره پر از انرژی معنوی شود و برگردد. به این معنا که با عشق به امام حسین (علیه‌السلام) و امید به لطف او تن به این رنج معنادار داده و هنوز برنگشته دوباره دلتنگ این فضا می‌شود.

تبدیل عقلانیت مادی به عقلانیت ارزشی

یکی از ابعاد گردشگری دینی در نظریات، بعد فکری آن است. یعنی انسان در طول سفر می‌آموزد چگونه دست از علایق مادی و دنیوی خود برداشته و رو به سوی کمال برود، در این راستا هر چیزی می‌تواند او را به این هدف نزدیک کند، مشاهده رفتار همسفران از نزدیک اتفاقاً می‌تواند اثرگذاری بیشتری داشته باشد. یعنی با مشاهده خلوص نیت آنها در خود فرو رفته و سعی می‌کند خود را شبیه آنها سازد.

شبیه‌سازی معنوی

شبیه‌سازی در بسیاری اوقات در این گونه سفرها در یک جمع خانوادگی یا دوستانه یا همکاری رخ می‌دهد؛ زیرا اعضای گروه با مشاهده رفتارهای یکدیگر می‌توانند به رفتار اشتباه خود پی برده و با الگو گرفتن از رفتار اعضای گروه تلاش کنند مانند آنها عمل کنند. «امسال با چند نفر نا آشنا رفتیم که رئیس گروه همون برای من شد الگو. شاید بشه گفت بهترین و ارزشمندترین سفر پیاده من بود چون معنی صبر، فداکاری، خوش اخلاقی، خلوص و مهمان‌نوازی را تمام و کمال یاد گرفتم. تازه فهمیدم اربعین یعنی چی. تو این سفر همه جور بلایی تو این سفر سر ما اومد؛ اما نفس مدیر گروه در نیومد یک کلام اعتراض نکرد با هیچ‌کدام دعوا نکرد فقط تذکر می‌داد. تنها کسی که به بهترین شکل برخورد می‌کرد مدیرمون بود. منم یاد گرفته بودم سعی می‌کردم مثل او فداکاری کنم خوش اخلاق باشم و خودم را با جمع هماهنگ کنم» (آقای ۴۵ ساله از تبریز).

بازاندیشی و درون‌نگری

در مسیر پیاده‌روی، بدون اینکه کسی از قبل آگاه باشد یا قبل از حرکت برنامه‌ریزی برای آن کرده باشند همه در فضایی عمومی قرار می‌گیرند که برای اکثر شرکت‌کنندگان،

فرصتی برای درک بهتر اهمیت زندگی در صلح در یک دنیای مشترک وجود دارد. «دو شب از این چند روز را در یکی از موکب‌هایی خوابیدیم که تعداد عرب‌ها در آن زیاد بود. برای من خیلی جالب بود که می‌دیدم بچه‌های خردسال دور موکب می‌دوند و بازی و سروصدا می‌کنند؛ اما مادران آنها نه تذکری به آنها می‌دادند نه مانع بازی کردن بچه‌هایشان می‌شدند، فقط در مواقعی که دست به وسایلی دیگران می‌زدند با آرامش زیاد وسیله را از دست بچه می‌گرفتند و سر جایش می‌گذاشتند. درحالی‌که وقتی به رفتار خودم فکر می‌کردم می‌دیدم من اصلاً نمی‌ذارم نوه‌هام درست بازی کنند. وقتی در جایی باشند که دیگران هستند، یکسره بهشون تذکر میدم و نمی‌ذارم بچه‌ها از بازی‌شون لذت ببرن» (۶۵ ساله پنجم ابتدایی).

ظرفیت‌سازی درونی

بیشتر سفرهای زیارتی با پای پیاده سفری نیست که به راحتی انجام شود. زائران پیاده به اشکال مختلف با چالش مواجه می‌شوند. احتمالاً داشتن انرژی جسمانی برای انجام مسافت‌های هر روز زیارت، هدف مشترکی است، همچنین داشتن وقت برای تأمل و مراقبه یک ویژگی مشترک و مستقل از اعتقاد مذهبی هر زائر است. در طول مسیر، زائران تجربیات «آهسته» را تجربه می‌کنند و خودشان را با آنچه در اطرافشان است درگیر می‌کنند.

«تو این سفر داییم خیلی فداکاری کردی می‌تونست با اینهمه آدم نیاد ولی اومدی. هرکس ساز خودشو میزد ولی داییم آتقدر نرم و خوب رفتار می‌کرد که من خجالت می‌کشیدم. ی بار تنها گیرش آوردم ازش پرسیدم چرا ما را با خودتون آوردید شما می‌تونستید خودتون تنهایی با خانمتون برید هیچ‌کس با شما نیاد که این همه اذیت نشید حتماً پشیمون شدید؟ گفت: اتفاقاً اصلاً پشیمون نشدم بازم سال بعدم همین جمع بخوان با من بیان من هستم. پرسیدم چرا؟ جواب داد: سفر همین‌ها من هر سال با یکی دو نفر یا چند نفر جدید میام تا ظرفیت‌های وجود خودم را ارزیابی کنم و هر سال برام تمرین باشه تا خودم را بهتر از قبل بسازم. اینجا که نمیام برا خوشگذرونی اگر قرار باشه از اربعین هیچ درسی

نگیریم، برای چی می‌ایم پس؟» (استاد دانشگاه از مشهد).

معرفت بخشی ماندگار

یکی از اثرهای بسیار واضح و آشکار پیاده‌روی اربعین، کیفیت معرفت بخشی آن است، به طوری که حتی وقتی از آن فضا هم خارج شوند و دیگر بعد احساسات وجود ندارد؛ اما آثار آن حالت عرفانی انسان را به نوعی بصیرت می‌رساند، هرچند که به ادراک حسی شباهت بیشتری دارد؛ اما نمی‌توان گفت خالی از بعد عقلانی است. این تغییرات مخصوصاً در بین کسانی که برای افزایش معرفت و آگاهی و به امید تغییر آمده‌اند هویداتر است. یعنی در بسیاری از مواقع نیز اثرهای این مشاهدات ماندگار است و شرکت کنندگان سعی می‌کنند بعد از برگشت نیز تغییری در خود ایجاد کرده و بر آن مداومت نمایند.

«از وقتی رفتم پیاده‌روی اربعین و دیدم که عرب‌ها چطور همه خانه و زندگی خود را در اختیار ما قرار دادند بدون ذره‌ای چشمداشت با خودم فکر می‌کردم چگونه منم مثل اینا بتونم باشم. تو دلم نیت کردم بعد از این خونه خودم را وقف امام حسین (علیه‌السلام) کردم، هرکس به هر نیتی بیاد خونه‌ام به چشم زائر و شیعه علی (علیه‌السلام) بهش نگاه کنم و با جون و دل ازش پذیرایی کنم چه خواهرم باشه چه مادرم باشه چه دوستم باشه چه مهمان دیگری باشه و هر وقت ببینم یکی زائر امام رضاست و جایی نداره که اونجا استراحت کنه غذا بخوره میارمش خونه خودم و ازش پذیرایی می‌کنم» (۴۰ ساله کارشناسی ارشد).

ظهور اتوپیا در قالب فرهنگدی (کاریزما)

وبر^{۱۷} نیز مفهومی به نام فرهنگدی در نظریه خود دارد که نقطه مشترک آن با اتوپیا، خارجی بودن آن از فضای روزمرگی است؛ مانند خط کش یا میزانی است که برای سنجش اعمال یا ویژگی‌ها استفاده می‌شود. وبر این نوع فرهنگدی را در مقابل اقتدار سنتی و دیوانسالارانه قرار داده است. فرهنگدی به معنای جذابیت غیرعادی و دارا بودن صفتهای ویژه و ممتاز و منحصر به فردی است که مورد پسند و ستایش تعداد زیادی از دیگر انسان‌هاست. جاذبه‌ای انفرادی (فردی) که اثری اجتماعی (جمعی) دارد. یعنی

اتوپیا تنها به معنای مکان و زمان نیست و می‌تواند شامل یک شخصیت نیز باشد. به این معنا می‌توان شخصیت‌های مذهبی مانند امام حسین (علیه‌السلام)؛ اعضای خانواده و یارانش را فرهمند تلقی کرد.

از بی‌نهایت به بی‌نهایت

سالوین در گزارش خود حس زمینی زائر در پیاده‌روی را چنین توصیف کرده است: «پیاده‌روی خود را یافتن در برابر چیزی است که در دنیا نیست. چیزی که از بی‌نهایت، کهکشان راه شیری، رؤیا، شبی خاص، راهی به سوی گذشته‌گشودن یا درون آینده بودن سخن می‌گوید؛ اما تمام این رخدادها در لحظه اکنون رخ می‌دهد، لحظه پیاده‌روی. هر لحظه، هر نقطه‌ای از اکنون در آمدوشد از بی‌نهایتی، به بی‌نهایتی دیگر است» (Salvin, 2003, p.16) به نقل از نصرآوی، ۱۳۹۹، ص. ۷۸).

کاریمای مکانی

این تعبیر در صحبت بسیاری از زائران دیده شده است که معتقدند: «وقتی می‌ای اینجا انگار او مدی یک دنیای دیگه، همه چیز یادت میره، تمام دردها و رنج‌های دنیای یادت میره، انگار او مدی تو بهشت جایی که دوست نداری هیچ وقت برگردی. نمی‌دونم این خاک چی داره که آدم را میکشونه به سمت خودش یک بار بیای دیگه نمی‌تونی نیای».

کاریمای شخصی

همان‌طور که محققان مختلفی ذکر کرده‌اند، احیای محبوبیت و عهد مجدد بستن با شخصیت فرهمند اصلی این مسیر یعنی امام حسین (علیه‌السلام)، برای زیارت از ویژگی‌های اصلی این نوع سفر است. این نشانه یک دیدگاه نوظهور است که حرکت‌های زائران تأثیر مطلوبی بر جوامع دارد و می‌تواند به توسعه اشکال پایدار گردشگری مذهبی کمک کند.

«تا به حال چهار بار به پیاده‌روی اربعین او مدم. دفعه اول برای کنجکاوای او مدم بینم چیه آنقدر همه میگن پذیرایی عرب‌ها اینجور اونجوره. خواستم بدونم چجوریه ولی از وقتی او مدم هر سال دیدم بازتر شد، نکات مهم‌تری تو نظرم

برجسته شد و الان سؤالم اینه چرا با اون همه رنج آخرش خانم حضرت زینب (سلام‌الله‌علیه) فرمودند: و مارایت الا جمیلاً؟ چقدر آدم باید خودش را خالص کنه تا بتونه به چنین مقامی برسه. هر سال میام شاید تو این راه‌ها جواب سؤالم را پیدا کنم» (خانم ۵۰ ساله پزشک).

«برام عجیبه با اینکه امام حسین (علیه‌السلام) می‌دونسته قراره شهید بشه و خانواده‌اش به اسارات گرفته بشن چطور دست به چنین کاری زده؟ هیچ آدم عاقلی این کار رو نمی‌کنه. ولی همیشه گفت که ایشان عاقل نبوده. اینکه چطور تا این حد تسلیم خدا بوده تن آدم را می‌لرزونه. کاش اعتقاد منم به خدا تا این حد تعالی پیدا کنه و تسلیم محض اسلام بشم» (دانشجوی ۲۴ ساله از رشت).

زیباشناسی رنج

یکی دیگر از عناصر دخیل در زیارت پیاده، باور و حضور امام حسین (علیه‌السلام)، حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و یاران امام حسین (علیه‌السلام) در فرایند زیارت است و اینکه شرکت‌کنندگان معتقدند این الگوهای آنها را می‌بینند و انگیزه تعداد زیادی از آنها نوعی همدلی، درک و حمایت از اعتقادات آنهاست. یعنی هریک از این اعضا برای آنان شخصیت فرهمند و اتوپیک هستند که در این فضا زندگی می‌کنند و به آنها خوش آمد می‌گویند.

«وقتی پیاده میام این راه را، وقتی پاهام زخمی بشه، تاول تاول بشه، رنج بکشم، حس می‌کنم اقبالاً یک کم با خانم فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) همدردم، یک کم از غم بزرگ دل خانم حضرت زینب را کم کردم، این کمترین کاریه که ازم برمیداد» (خانم ۴۵ ساله).

نتیجه‌گیری

در بین موضوعات علمی، کمتر موضوعی به اندازه زیارت گسترده و پویا است، تا حدی که بیش از سی یا چهل سال گذشته، مجموعه‌ای از شیوه‌های آیینی در سراسر مناطق بزرگ را به خود اختصاص داده باشد. در طول زمان ارائه تعریف جامعی از این نوع آیین‌ها، با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده است، با این حال، اکثر دانشگاهیان زیارت را به‌عنوان یک تلاش معنوی درک می‌کنند که شامل دو عنصر اساسی است: یک سفر و

یک مقصد مقدس. سفر علما به اماکن متبرکه، یکی از تفاوت‌های زیارت با بازدیدهای پیش‌پاافتاده‌تر است. علاوه‌براین، تعهد مذهبی و معنوی یکی از مؤلفه‌های این زیارت است. یعنی این زیارت صرفاً یک سفر از نقطه الف به ب نیست. از نظر بابلی^{۱۸} (۲۰۲۳) تصمیم‌گیری برای سفرهای معنوی مانند سانتیاگو، بیشتر محصول ارزش‌ها، پیش‌فرض‌ها و آرمان‌های غرب است تا انعکاس فعالیت‌های مذهبی تاریخی؛ البته زیارت پیاده اربعین در ایران دارای پیشین تاریخی بسیار محکم و متقنی است؛ اما می‌توان آن را به شکل دیگری تحلیل کرد که از برخی جنبه‌ها شبیه نتیجه بابلی است.

مصاحبه‌های متعدد و مشاهدات مکرر در این پژوهش نشان داد که در واقع در این زیارت، مسیر و راه مهم‌تر از مقصد است که اتفاقاً وقتی بیشتر حائز اهمیت است که فرد این مسیر را پیاده طی کند تا به نتایجی مؤثری برسد؛ زیرا آستانگی در طول این مسیر است که رخ خواهد داد. ساندی تلگراف^{۱۹} در مقاله خود نیز چنین تشخیص داده است که برای زائران امروزی، احساسات عمومی در این سفر مهم است نه مقصد. با اشاره به این موضوع در قرون وسطی او اضافه می‌کند که «شاید همیشه این‌طور بوده است» (Simmons, 2019) به نقل از (Bailey, 2023, p. 2).

در مناسک گذار، اول، جدایی رخ می‌دهد یعنی افراد حالت قبلی خود را ترک می‌کنند. در مرحله دوم روال زندگی اجتماعی و سلسله مراتب لغو می‌شوند و افراد برای وضعیت جدید خود آماده می‌شوند. مرحله سوم یا تجمع مجدد، وضعیتی است که از طریق دگرگونی آیینی افراد موقعیت اجتماعی جدیدی کسب می‌کنند و به محل اصلی خود برمی‌گردند (به نقل از Ambrósio, 2020, p. 51). مهم‌ترین مرحله در این نظریات، مرحله آستانگی است؛ زیرا تمام کارکردها و آثار مثبت و رفتارهای متناقض در این مرحله رخ می‌دهند. همین فضایی که از نظر ترنر، ضدساختار است در واقع همان مسیری است که از نجف تا کربلا با پای پیاده طی می‌شود که فضا و محیطی آستانه‌ای و اتوپایی است. این نتیجه با نتیجه نصرآوی (۱۳۹۹) نیز منطبق است که معتقد است راه می‌تواند یکی از عناصر اصلی زیارت باشد. از نظر زائران، در این مسیر، گذشته و

18. Bailey

19. Sunday Telegraph

حال و آینده با هم حضور دارند (نصراوی، ۱۳۹۹، صص. ۷۴ و ۷۵). در واقع قدرت این مسیر تا حدی است که می‌تواند معانی مورد انتظار شرکت‌کنندگان را جذب یا خلق کند. در این مسیر طبق نظر ترنز، نمادها، الگوها و الگوواره‌های جدیدی پیدا می‌شوند. علاوه بر ون جنپ، ویکتور ترنز نیز معتقد است: «تجربه موقت ضدساختار امکان چانه‌زنی درباره ساختار اجتماعی را ممکن می‌کند. در این وضعیت ما نوعی آنارشسیسم موقت اجتماعی را تجربه می‌کنیم که فرصت برای اصلاح و تحول ساختار اجتماعی را ممکن می‌سازد و لذا عامل پایداری و پویایی اجتماعی است» (Masoudi & Nourian, 2023, pp. 109 & 110). در این مسیر شرکت‌کننده‌ای زیارتش کامل است که آنچه را که باید از نظر معنوی دریافت کند به دست آورد و برگردد. گیرتز و ون جنپ و ترنز نیز در نظریات خود به نحوی به این موضوع اشاره کرده و معتقدند در مرحله آستانگی که مهم‌ترین مرحله است، این اتفاق کم‌وبیش با درجات متفاوت برای شرکت‌کنندگان رخ می‌دهد. این نتیجه با نتیجه تحقیق امبرسیو (۲۰۲۰) همخوانی نزدیکی دارد. وی در اثر خود ذکر کرده است که در واقع موفقیت یک مسیر زیارتی تا حد زیادی زمانی به دست می‌آید که شرکت‌کنندگان، ویژگی‌های معنوی ناملموس را به دست آورند و معنویت را از جنبه‌های مختلف تجربه کنند (Ambrósio, 2020, p. 54). همچنین رضادوست و شهریاری (۱۴۰۱) نیز در تحقیق خود به این مقوله مرکزی دست یافته‌اند که «پیاپی روی اربعین نمود زیست‌جهان رقیب مدرنیته و ساخت دوباره خود» است و این زیارت را فرصتی برای اصلاح خود می‌دانند.

یکی از رایج‌ترین انگیزه‌ها برای شرکت در این زیارت، وجود و باور به حضور شخصیت فرهمند امام حسین (علیه‌السلام)، خانواده و یارانش است. شخصیت یا شخصیت‌های اتوییک که همه رنج این سفر و تمام این میزبانی در این ده روز به‌خاطر احترام و همدلی با آنهاست. در تحقیقات مختلف نیز برخی محققان به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ مثلاً مبین شهیر در اثر خود به این ماجرا اشاره کرده است که وقتی دلیل آوردن فرزندان کوچک را از مادر آنها می‌پرسد، جوابشان این بوده است: «حضرت علی اصغر بچه بود و گرما و تشنگی را تحمل کرد چرا بچه ما تحمل نکند» (مبین شهیر، ۱۴۰۲، ص. ۱۲۹). «عده کمی هم معتقد بودند اگر بچه‌شان را به زیارت امام حسین و

حضرت ابوالفضل (علیه‌السلام) بیاورند در آینده فرد درستکاری خواهد شد» (مبین شهیر، ۱۴۰۲، ص. ۱۳۰). شرکت‌کنندگان داستان‌های زیادی از نظرکردن امام حسین (علیه‌السلام) نسبت به خودشان دارند، از اینکه به آنها عنایت شده و به طرز عجیبی اتفاقی برایشان افتاده که به شکلی شبیه معجزه بوده است. این داستان‌ها برای آنها بزرگ‌ترین مدرک برای حضور این بزرگان در این فضا است. نتایج برخی تحقیقات مانند اثر فری^{۲۰} (۱۹۹۸) و هریگان^{۲۱} (۲۰۱۰) به نقل از نصرای، ۱۴۰۱، صص. ۸۱-۸۲ به این نتیجه شباهت دارد.

بخش عواطف و احساسات در این نوع زیارت بسیار پررنگ است، دورکیم (۱۳۸۳) نیز معتقد است تجربه دینی در اصل در بستری از فوران عواطف از خلال آیین‌ها شکل می‌گیرد. این موضوع به اشکال مختلف در آثار صاحب‌نظران خود را نشان داده است؛ از جمله رحمانی (۱۳۹۷) در پژوهشی از پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک اتفاق با چند تفسیر یاد کرده و نظام‌های معنایی مختلف در این آیین را حامل کنش‌های مؤمنان در تعامل با هم عنوان کرده است؛ اما آنچه بیشتر قابل تأمل است شکل‌گیری این تجربه برای شرکت‌کننده همراه با رفتارهای متناقض است؛ به طوری که وقتی تحت تأثیر جمع قرار می‌گیرد احساس همبستگی کرده و با میزبانان عراقی همراه می‌شود و سعی می‌کند خود را شبیه آنان سازد، درحالی که وقتی پای منافع فردی خود باشد به نوعی دیگر عمل نموده و حتی در بسیاری از موارد دست به اعمالی خلاف رفتار یک شیعه یا زائر امام حسین (علیه‌السلام) می‌زند. به عبارتی گاهی می‌توان به این نتیجه رسید که قصد وی از رفتن به این زیارت، آگاهانه و با تفکر نبوده است. «به نظر می‌رسد در واقع به‌جا آوردن این زیارت به‌عنوان حل مسئله خاصی در ذهن زائران نبوده است بلکه به‌صورت برساختی در ذهن آنان تبدیل به مسئله شده است که چنین تصور می‌شود با رفتن به این سفر، قدم بزرگی برای اسلام برداشته‌اند» (رحمانی، ۱۳۹۸، ص. ۳۹۵). این نتیجه با بخشی از نتایج شکرچی (۱۳۹۷، صص. ۶۸-۶۹) و مندل (۲۰۱۰) همخوانی دارد. در این زمینه نتایج پژوهش جواهری (۱۳۹۷) نیز قابل تأمل است. او کنش‌های موجود در

20. Free

21. Harrigan

این مراسم را آمیخته‌ای از کنش‌های عقلانی معطوف به هدف، معطوف به ارزش، سنتی و عاطفی دانسته است. همچنین طبق نتایج تحقیق تاج‌بخش (۱۴۰۱)، برخی آسیب‌های پیاده‌روی اربعین مانند رقابت موکب‌های ایرانی و تخریب الگوی سنتی اربعین عراقی، عرفی شدن، اسراف و تبذیر، کم‌توجهی به واجبات دین، وجود فرقه‌های انحرافی، شکاف سنتی و شیعی هر ساله به چشم می‌خورد. در نتیجه به نظر می‌رسد برای اصلاح وضع موجود، بهتر است تعمیق معرفت دینی و افزایش آگاهی درباره فلسفه پیاده‌روی اربعین در اولویت قرار گیرد.

مبین‌شهر (۱۴۰۲) در کتاب خود از این رفتارهای عاطفی زودگذر با «اتویای بریده» نام برده است و این رفتارها هرچند مطلق نیست ولی از وضعیت عادی کمی بهتر است (مبین‌شهر، ۱۴۰۲، ص. ۲۳۶). در حالی که در تعریف مدینه فاضله چنین چیزی اتویا نیست. «غایت مدینه افلاطونی، غایت اخلاقی و تربیتی است. ... آدمی خارج از این مدینه، مانند قرار گرفتن یک جرم آسمانی خارج از مدار افلاک است که هیچگاه نمی‌تواند هدف غایی را برای آن تصویر کرد» (کلباسی اشتری و حاجی‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۳). اتویا یا مدینه فاضله به شهر و سرزمینی گفته می‌شود که در آن همه چیز در بهترین حالت است. فیلسوفان یونانی، دانشمندان ایرانی مثل فارابی و بسیاری از فرهنگ‌ها به این نوع سرزمین اشاره کرده‌اند. در باور شیعیان نیز چنین سرزمینی پس از ظهور موعود به وجود خواهد آمد؛ اما پیاده‌روی اربعین با در نظر گرفتن همه جنبه‌های آن از جمله آسیب‌های آن که در مقالات زیادی مانند مقاله تاج‌بخش (۱۴۰۱) به آن اشاره شده است، نمی‌تواند در حد یک اتویای بریده باشد، شاید بهتر بتوان گفت یک اتویای ناقص است تا بریده. در منابع دیگر به ماجرای دزدی موبایل، پول، عدم رعایت فاصله از نامحرم (مبین‌شهر، ۱۴۰۲، صص. ۹۱ و ۹۲)، یا کم‌فروشی (مبین‌شهر، ۱۴۰۲، ص. ۱۱۴) اشاره شده است. بابلی (۲۰۲۳) نیز معتقد است تعهد مذهبی و معنوی یکی از مؤلفه‌های این زیارت است، اما ظاهراً این مشاهدات چنین مؤلفه‌ای را به چالش کشیده و تا حدی نقض کرده است.

اما گیرتز این تناقض را به خوبی تشریح کرده است. او راه اصلی رستگاری را به جا آوردن مناسک دانسته است و معتقد است تدین به معنای زیستن بر مبنای

دیدگاه‌هاست نه تصویری که از تجربه دینی به ذهن می‌آید. او علی‌رغم اینکه مناسب را با دو مفهوم جهش و گذرا تعریف کرده است، همه اتفاقات و تحولات از نظر او در همین لحظات گذرا و بسیار کوتاه در حد یک تحول واقعی رخ می‌دهد، هرچند شرکت‌کنندگان، در ظاهر دست به رفتارهای متناقض بزنند. در موارد بسیاری که در یافته‌ها نیز آمده است شرکت‌کنندگان به امید لطفی که امام حسین (علیه‌السلام) به آنها خواهد کرد پا در این راه گذاشته و اثرها و تغییرات اساسی زیادی در آنها رخ داده است که در اکثر آثار پژوهشی به آن پرداخته شده است. از جمله حسینی هاشم‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود به ارائه روایتی اجتماعی از پیاده‌روی اربعین پرداخته و ارتباطات و همبستگی اجتماعی میزبان و زائران را به عنوان یکی از کارکردهای متعدد این مراسم بیان کرده است. پویافر (۱۳۹۷) پذیرایی عرب‌ها و موب‌های ایرانی و عراقی را با نام خیر دینی معرفی کرده است. همچنین مطالعه کیم، سم کیم و کینگ (۲۰۱۶) به بررسی ارزش‌هایی می‌پردازد که مسافران در مسیر زیارتی کمینو سانتیاگو در اسپانیا به نمایش گذاشته‌اند. محققان در این مقاله رابطه سلسله‌مراتبی بین ویژگی‌های زیارت، مزایایی که زائران متعاقباً کسب می‌کنند و تحقق ارزش‌های شخصی را به‌عنوان هدف بررسی کرده‌اند. قوی‌ترین ارتباط‌ها بین ویژگی‌ها، پیامدها و ارزش‌ها با پیوندهای اجتماعی یافت می‌شود که از طریق معاشرت با زائران همسال به‌دست می‌آیند و به‌دنبال آن جستجوی شادی از طریق درک زیبایی‌های طبیعی و تعقیب تفکر در طول پیاده‌روی زیارت است. این یافته‌ها بینش‌های تازه‌ای را در مورد ابعاد پسنندیده و مقدس تجربه زیارت ارائه می‌کنند.

این زیارت آثار تربیتی زیادی نیز دارد که در مصاحبه‌ها به‌روشنی پیداست، به‌گونه‌ای که بسیاری از شرکت‌کنندگان را به فکر و بازاندیشی وامی‌دارد و این چند روز را فرصتی برای خودسازی و بازاندیشی در خود می‌دانند. این نتیجه با نتایج پژوهش تاج‌بخش (۱۳۹۹) همخوانی دارد که به ابعاد تربیتی فردی، خانوادگی و اجتماعی آن دست یافته است. این اثرگذاری تا حدی است که بسیاری، در مسیر این سفر معنای زیارت را کشف کرده و با سفرهای متعدد نیت مادی آنها به طرف مقاصد معنوی تغییر شکل

داده‌اند. مشابه این نتیجه در اثرهای دیگر مانند تیسدل^{۲۲} (۲۰۱۳) در زیارت معنوی به سانتیاگو به دست آمده است. همچنین دانشگر (۱۴۰۱) در کتاب موکب آمستردام، خرده‌روایت‌هایی از زائران دوردست که از اروپا به مقصد زیارت پیاده امام حسین (علیه‌السلام) رهسپار شده‌اند را آورده است که امام حسین (علیه‌السلام) را نه در کربلا و نجف و قم و مشهد و... بلکه در قلب اروپا یافته‌اند (دانشگر، ۱۴۰۱، صص. ۱۲، ۱۵). در نهایت می‌توان گفت مهم‌ترین اثر زیارت پیاده اربعین بازاندیشی، خوداندیشی و تفکر طولانی است که در مرحله آستانگی رخ می‌دهد و در تحقیق کیم، سم کیم و کینگ (۲۰۱۶) در مورد زیارتگاه سانتیاگو نیز از مهم‌ترین نتایج بوده است.

کتابنامه

- استراتن، فیلیپ (۱۳۸۶). گذری بر مفهوم امید در اندیشه کانت، بلوخ و مارسل. ترجمه مسعود فریامنش، *اطلاعات حکمت و معرفت*، (۶)، ۶۶-۶۷.
- بد، مهدیه (۱۳۹۷). فهم تجربه زیسته زائران در پیاده‌روی اربعین سال ۱۳۹۵ (بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری ابرویداد اربعین). *باغ نظر*، ۱۵(۶۸)، ۳۹-۴۸.
- بنی‌اسد، رضا (۱۳۹۹). قوم‌نگاری فرهنگ پیاده‌روی اربعین حسینی (علیه‌السلام): تحلیل‌ها و راهبردهای تصمیم‌گیری در نهادهای انقلاب اسلامی. *دوفصلنامه علمی دین و ارتباطات*، ۲۷(۱)، ۵۷-۹۵.
- بوی، فیونا (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر انسان‌شناسی دین*. ترجمه مهرداد عربستانی، تهران: افکار.
- پویافر، محمدرضا (۱۳۹۷). *الگوی فعالیت‌ها و تجربه خیر دینی در آیین پیاده‌روی اربعین*. بنیاد خیریه راهبری آلاء.
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۳۹۹). پیاده‌روی اربعین و ابعاد تربیتی آن. *بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۷(۵۴)، ۴۱-۶۲.
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۴۰۱). آسیب‌های پیاده‌روی اربعین حسینی: بررسی جامعه‌شناختی. *شیعه پژوهی*، ۸(۲۲)، ۱۱۳-۱۳۷.
- تاج‌بخش، غلامرضا و عباس‌پور، ابراهیم (۱۴۰۱). بازاندیشی در ایجاد تمدن نوین اسلامی از طریق فراترکیب پژوهش‌های پیاده‌روی اربعین. *دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین*

اسلامی، (۲)۵، ۱-۳۴.

جواهری، فاطمه (۱۳۹۷). اربعین، رسانه اجتماعی شیعیان. در مجموعه مقالات روایت پیاده‌روی اربعین، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

حسینی هاشم‌زاده، داوود؛ جوادی یگانه، محمدرضا و روزخوش، محمد (۱۳۹۸). روایت پیاده‌روی اربعین. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

خشک‌جان، زهرا و مسلمی مهنی، یوسف (۱۳۹۶). نظام معنایی و کارکردهای سیاسی اجتماعی عزاداری در تشیع. دوفصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، (۱)۵، ۸۰-۶۱.

دانشگر، بهزاد (۱۴۰۱). موکب آمستردام. عهد مانا.

درودیان، محمدجواد (۱۳۹۷). منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی. منظر، (۴۵)۱۰، ۶۵-۵۶.

دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی. ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز. ذال، محمدحسن؛ تبریزی، نازنین و مهرعلی تبار فیروزجایی (۱۳۹۵). اثرات گردشگری مذهبی بر فضاهای روستایی مورد: روستای اوحی آباد در شهرستان آمل. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، (۱۵)۵، ۸۳-۱۰۲.

رحمانی، جبار (۱۳۹۸). مینیاتوری از تشیع. مجموعه مقالات روایت پیاده‌روی اربعین، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

رحمانی، جبار (۱۴۰۱). پیاده‌روی زیارت اربعین: از اتوییا و ایدئولوژی تا هتروتوییا. مجله مطالعات اجتماعی ایران، (۴)۱۶، ۷۶-۵۵.

رحمانی، جبار و میرزایی، حسین (۱۳۹۶). ایرانی از نگاه دیگری، منطق فرهنگ ایران در سفرنامه‌ها. تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

رضادوست، کریم و شهریاری، مرضیه (۱۴۰۱). بررسی پتانسیل‌ها و بسترهای مناسب زیارتی براساس فهم نظام معنایی مشارکت‌کنندگان در پیاده‌روی اربعین. فصلنامه توسعه اجتماعی، (۴)۱۶، ۹۴-۵۹.

رمضانی تمیجانی، صدیقه (۱۳۹۹). بررسی ابعاد و اجزای ذهنی مشارکت جمعی در پیاده‌روی اربعین. دوفصلنامه علمی دین و ارتباطات، (۱)۲۷، ۳۵۷-۳۸۴.

شراهی، اسماعیل و ذوالفقارزاده کرمانی، محمدمهدی (۱۳۹۸). واکاوی ادراک زائران از رفتار خادمان در اربعین: روایتی مردم‌شناختی از پدیده عظیم پیاده‌روی اربعین. دوفصلنامه علمی

دین و ارتباطات، ۲۶(۱)، ۱۱۵-۱۴۸.

شکرچی، احمد (۱۳۹۷) *میزبانان اربعین*. چاپ شده در مجموعه مقالات پیاده‌روی اربعین: تأملات جامعه‌شناختی به کوشش محسن حسام مظاهری.

طباطبائی، سیدمحمد؛ رسولی، محمدرضا؛ عقیلی، سیدوحید و مجیدی قهرودی، نسیم (۱۴۰۲). ابعاد ارتباطی مناسک در جهان معاصر: فراگرد ارتباطی در راهپیمایی اربعین. *فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات*، ۲۴(۶۱)، ۷-۳۲.

عبدالله، عبدالمطلب (۱۴۰۰). تجربه زیسته زائران در پیاده‌روی اربعین سال ۱۳۹۸ (مطالعه موردی دانشگاهیان علامه طباطبائی). *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۴(۴)، ۲-۳۴.

عبداللهیان، حمید و طباطبائی، سیدمحمد (۱۴۰۰). مطالعه روابط قدرت و مقاومت در جهان معاصر: تفسیر مردم‌نگارانه تجربه راهپیمایی اربعین ۱۳۹۴. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۱۱(۲۲)، ۳۳-۶۷.

فلاحی، سارا و شاه‌ولی، مهدی (۱۳۹۹). نشانه‌شناسی پیاده‌روی اربعین و شباهت‌های آن با حکومت مهدوی. *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۸(۱)، ۲۸۵-۳۱۰.

قجفی‌نژاد، شاهپور؛ باصری، علی؛ سید، محمود و رشیدوش، وحید (۱۳۹۹). بررسی انسان‌شناسی نمادین مناسک و آئین‌های شمنی در بین اقوام ترکمن براساس دیدگاه کلیفورد گیرتز. *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۴(۱۱)، ۲۱۹-۲۳۵.

کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۹۹). فهم تجربه پیاده‌روی زنان ایرانی در اربعین. *دوفصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۷(۹۱)، ۱-۳۸.

کلباسی اشتری، حسین و حاجی‌زاده، پرویز (۱۳۹۳). جایگاه عدالت در اتوپیای افلاطون و مدینه فاضله فارابی. *تاریخ فلسفه*، ۱۷(۱)، ۱۲۱-۱۴۲.

مبین‌شهر، سعید (۱۴۰۲). اربعین‌نگاری، نگاهی به پیاده‌روی اربعین براساس یادداشت‌های مردم‌نگارانه. تبریز: دانشگاه تبریز.

محمدپور، احمد (۱۳۹۸). *ضد روش، زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*. قم: لوگوس.

یعقوبی، الهام؛ اصلی‌پور، حسین و میرواحدی، سیدسعید (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌ها و فرایند ارائه خدمات عمومی مردم‌نهاد در پیاده‌روی اربعین مبتنی بر رویکرد نگاهت علی. *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۴(۹۱)، ۲۰۵-۲۳۹.

Ambrósio, Vitor (2020). A Shared Pilgrimage Road in Israel and Palestine:

- From Utopia to Reality. *International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage*, 8(6), Article 6. at: <https://arrow.tudublin.ie/ijrtp/vol8/iss6/6>
- Bailey, Anne.E. (2023). Journey or Destination? Rethinking Pilgrimage in the Western Tradition. *Religions*, (14), 1-15. <https://doi.org/10.3390/rel14091157>
- Fahs, Susan & Ali, Yazan (2022). The Spiritual Importance of the Arbaeen Pilgrimage and the Pervasive Silence of the International Media for This Huge Community. *International Multi. J. of PURE LIFE*. 9(31), 91-69.
- Geertz, C. (1972). *Islam observed: religious development in morocco and Indonesia*. New haven: Yale university press.
- Hamdan, Faraj Hattab (2012). The Development of Iraqi Shi'a Mourning Rituals in Modern Iraq: The 'Ashurā Rituals and Visitation of Al-Arb'ain, A Thesis Presented In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Arts Approved, The Graduate Supervisory Committee: Souad Ali, Co-Chair Shahla Talebi, Co-Chair Abdullahi Gallab Joel Gereboff ARIZONA STATE UNIVERSITY.
- James, William (2009). *The Varieties of Religious Experience A Study in Human Nature* by William James, South Australia 5005, The University of Adelaide Library
- Kim, bona; Sam kim, Seongseop, king, brian (2016). The sacred and the profane: Identifying pilgrim traveler value orientations using means-end theory. *Tourism Management*, (56), 142-155.
- Masoudi, Heidarali & Nourian, Ali (2023). Arbaeen March and Its Effect on Iran's Soft Power in Iraq: Practice Theory. *Journal of Contemporary Research on Islamic Revolution*, 5(15), 1-18.
- Mujtaba Husein, UmmeSalma (2018). A phenomenological study of Arbaeen foot pilgrimage in Iraq. *Tourism Management Perspectives*, (26), 9-19.
- Nikjoo, Adel; Sharifi-Tehrani, Mohammad., Karoubi, Mehdi., Siyamiyan, Abolfazl (2020). From Attachment to a Sacred Figure to Loyalty to a Sacred Route: The Walking Pilgrimage of Arbaeen. *Religions*. 11(145), 1-12.
- Nyaupane, Gyan P. Timothy, Dallen J. Poudel, Surya (2015). Understanding tourists in religious destinations: A social distance perspective. *Tourism Management*, (48), 343-353.
- Polus, Reni; Carr, Neil & Walters, Trudie (2022). Concoyualizing the changing faces of pilgrimagt through contemporary tourism. *International Journal of the Sociology of Leisure*, (5), 321-335 <https://doi.org/10.1007/s41978-022-00109-7>
- Rahimi, Babak & Amin, Mohsen (2020). Digital Technology and Pilgrimage: Shi'i Rituals of Arba'in in Iraq. *Journal of religion, media and digital culture*, (9), 82-106.
- Shalbfafian, Ali asghar & Zarandian, Neda (2021). A New Look at the Arba A New Look at the Arba'een Mega-e een Mega-event from the P om the Perspectiv erspective of Iraqis as the Host Community. *International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage*, 9(8), 70-80.
- Tisdell, Elizabeth J. (2013). *We Make the Way by Walking: Spiritual Pilgrimage and Transformative Learning While Walking the Camino De Santiago*. Adult Education Research Conference. <https://newprairiepress.org/aerc/2013/papers/48> .

- Turner, Victor (1991). *The ritual process structure and anti-structure*. Ithaca, New York: Cornell University Press, Seventh printing.
- Turner, Victor (1991). *The ritual process*, ITHACA, NEW YORK, Cornell Paperbacks Cornell University Press, Seventh printing.
- Van Gennep, Arnold (1960). *The rites of passage*, Translated Monika, B. Vizedom and Gabrielle L. Caffee, The University of Chicago Press.

References

- Abdollahian, Hamid & Tabatabaei, Seyyed Mohammad (1400), Study of power relations and resistance in the contemporary world: An ethnographic interpretation of the experience of the Arbaeen Walk of 2015, *Anthropological Researches of Iran*, 11(22), 33-67. (In Persian)
- Abdullah, Abdulmuttalib (1400). The lived experience of pilgrims in the Arbaeen Walk of 2019 (Case study of Allameh Tabatabaei academics), *Political Sociology of Iran*, 4(4), 34-2. (In Persian)
- Ambrósio, Vitor (2020). A Shared Pilgrimage Road in Israel and Palestine: From Utopia to Reality. *International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage*, 8(6), Article 6. at: <https://arrow.tudublin.ie/ijrtp/vol8/iss6/6>
- Bailey, Anne.E. (2023). Journey or Destination? Rethinking Pilgrimage in the Western Tradition. *Religions*, (14), 1-15. <https://doi.org/10.3390/rel14091157>
- Bani-Assad, Reza (2019). Ethnography of the culture of the Arbaeen Hosseini walk (peace be upon him): Analysis and decision-making strategies in the institutions of the Islamic Revolution, *Religion and Communications*, 27(1), 57-95. (In Persian)
- Bod, Mahdiah (2018). Understanding the lived experience of pilgrims about Arbaeen walk in 2016 (the contexts and grounds of formation of the Arbaeen super-event), *Bagh-e-Nazar*, 15(68), 39-48. (In Persian)
- Bowiem, Fiona (2015). *An Introduction to the Anthropology of Religion*, translated by Mehrdad Arabestani, Tehran: Afkar, 2nd edition. (In Persian)
- Daneshgar, Behzad (1401). *Amsterdam Parade*, Ahde Mana. 12th edition. (In Persian)
- Drudian, Mohammad Javad (2018). The spiritual landscape of the Arbaeen Hosseini Walk event, *Manzar* 10(45), 65-56. (In Persian)
- Durkheim, Emile (2004). *Basic Forms of Religious Life*, translated by Baqer Parham, Tehran: Markaz. (In Persian)
- Fahs, Susan & Ali, Yazan (2022). The Spiritual Importance of the Arbaeen Pilgrimage and the Pervasive Silence of the International Media for This Huge Community. *International Multi. J. of PURE LIFE*, 9(31), 91-69.
- Fallahi, Sara & Shahvali, Mehdi (1399). Semiotics of the Arbaeen Walk and its similarities with the Mahdist rule, *Political Sociology of the Islamic World*, 8(1), 310-285. (In Persian)
- Geertz, C. (1972). *Islam observed: religious development in morocco and Indonesia*. New haven: Yale university press.
- Ghajfinezhad, Shahpour; Basari, Ali; Seyed, Mahmoud & Rashidush, Vahid

- (2019), A study of the symbolic anthropology of shamanic rituals and ceremonies among Turkmen peoples based on Clifford Geertz's perspective, *Parseh Archaeological Studies*, 4(11), 235-219.[In persian]
- Hamdan, Faraj Hattab (2012). The Development of Iraqi Shi'a Mourning Rituals in Modern Iraq: The 'Ashurā Rituals and Visitation of Al-Arb'ain, A Thesis Presented In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Arts Approved, The Graduate Supervisory Committee: Souad Ali, Co-Chair Shahla Talebi, Co-Chair Abdullahi Gallab Joel Gereboff ARIZONA STATE UNIVERSITY.
- Hosseini Hashemzadeh, Davood; Javadi Yeganeh, Mohammad Reza & Roozkhosh, Mohammad (2019). Narrative of the Arbaeen walk, Research Institute for Culture, Art and Communication, pp. 343 - 390. (In Persian)
- James, William (2009). *The Varieties of Religious Experience A Study in Human Nature* by William James, South Australia 5005, The University of Adelaide Library
- Javaheri, Fatemeh (2018). Arbaeen, Shia Social Media, in the collection of articles on the narrative of the Arbaeen walk, Research Institute for Culture, Art and Communication, pp. 297-342. (In Persian)
- Kalbasi Ashtari, Hossein & Hajizadeh, Parviz (2014). The Place of Justice in Plato's Utopia and Farabi's Virtuous Medina, *History of Philosophy*, (17), 121-142. (In Persian)
- Karami Ghahi, Mohammad Taghi (2019). Understanding the experience of Iranian women Walk in Arbaeen, *Social Sciences*, 27(91), 38-1. (In Persian)
- Khashakjan, Zahra & Moslemmi Mahni, Yousef (2017). "The semantic system and socio-political functions of mourning in Shiism", *Political Sociology of the Islamic World*, Volume 5, Issue 1, (10th issue), pp. 61 - 80. (In Persian)
- Kim, bona; Sam kim, Seongseop, king, brian (2016). The sacred and the profane: Identifying pilgrim traveler value orientations using means-end theory. *Tourism Management*, (56), 142-155.
- Masoudi, Heidarali & Nourian, Ali (2023). Arbaeen March and Its Effect on Iran's Soft Power in Iraq: Practice Theory. *Journal of Contemporary Research on Islamic Revolution*, 5(15), 1-18.
- Mobin Shahir, Saeed (2013). Arba'inography, A Look at the Arbaeain walk Based on Ethnographic Notes, Tabriz: University of Tabriz. (In Persian)
- Mohammadpour, Ahmad (2019). *Anti-Method, Philosophical Grounds and Practical Procedures in Qualitative Methodology*, Qom: Logos, 2th Edition. (In Persian)
- Mujtaba Husein, UmmeSalma (2018). A phenomenological study of Arbaeen foot pilgrimage in Iraq. *Tourism Management Perspectives*, (26), 9-19.
- Nasravi, Mohammad (2019). Hope on the Liminal, Tehran: Contemporary Perspective. (In Persian)
- Nikjoo, Adel; Sharifi-Tehrani, Mohammad., Karoubi, Mehdi., Siyamiyan, Abolfazl (2020). From Attachment to a Sacred Figure to Loyalty to a Sacred Route: The Walking Pilgrimage of Arbaeen. *Religions*. 11(145), 1-12.
- Nyaupane, Gyan P. Timothy, Dallen J. Poudel, Surya (2015). Understanding tourists in religious destinations: A social distance perspective. *Tourism Management*, (48), 343-353.

- Polus, Reni; Carr, Neil & Walters, Trudie (2022). Conceoyualizing the changing faces of pilgrimagt through contemporary tourism. *International Journal of the Sociology of Leisure*, (5),321-335
<https://doi.org/10.1007/s41978-022-00109-7> 13
- Pouyafar, Mohammad Reza (2018). The Pattern of Activities and Experience of Religious Good in the Arbaeen Pilgrimage Ritual, Alaa31 Leadership Charity Foundation. (In Persian)
- Rahimi, Babak & Amin, Mohsen (2020). Digital Technology and Pilgrimage: Shi'i Rituals of Arba'in in Iraq. *Journal of religion, media and digital culture*, (9), 82-106.
- Rahmani, Jabar & Mirzaei, Hossein (2017). Iranian from Another Perspective, The Logic of Iranian Culture in Travelogues, Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication. (In Persian)
- Rahmani, Jabbar (2018). The Arbaeen Pilgrimage Walk,: From Utopia and Ideology to Heterotopia, 16(4), 76-55. (In Persian)
- Rahmani, Jabbar (2019). Miniature of Shiism, in the collection of articles on the narrative of the Arbaeen Walk, Research Institute for Culture, Art and Communication, pp. 391-447. (In Persian)
- Ramezani Tamijani, Sedighe (2019). A Study of the Dimensions and Mental Components of Collective Participation in the Arbaeen waking, Religion and Communication, 27(1), 384-357. (In Persian)
- Rezadoust, Karim & Shahriari, Marzieh (2012). Investigating the Potentials and bases of pilgrimage rituals based on the understanding of the semantic system of the participants in the Arbaeen pilgrimage, Social Development, 16(4), 94-59. (In Persian)
- Shalbafian, Ali asghar & Zarandian, Neda (2021). A New Look at the Arba A New Look at the Arba'een Mega-e een Mega-event from the P om the Perspectiv erspective of Iraqis as the Host Community. *International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage*, 9(8), 70-80.
- Shekarchi, Ahmad (2018). Hosts of Arbaeen, collection of articles on the Arbaeen Walk: Sociological Reflections edited by Mohsen Hessam Mazaheri. (In Persian)
- Sherahi, Esmaeil & Zolfagharzadeh Kermani, Mohammad Mehdi (2019). Investigating Pilgrims' Perception of the Behavior of Servants in Arbaeen: An Anthropological Narrative of the Great Phenomenon of the Arbaeen Walk, Religion and Communication, 26(1), 115-148. (In Persian)
- Strathern, Philip (2007). A review of the concept of hope in the thought of Kant, Bloch and Marcel, translated by Masoud Friamanesh, Information on Wisdom and Knowledge, (6), 666-7. (In Persian)
- Tabatabaee, Seyyed Mohammad; Rasouli, Mohammad Reza; Aghili, Seyyed Saeed & Majidi Ghahrudi, Nasim (2013), Culture-Communication Studies, 24(61), 32-7. (In Persian)
- Tajbakhsh, Gholam Reza & Abbaspour, Ebrahim (2022). Rethinking the Creation of a New Islamic Civilization through the Metasynthesis of Arbaeen Pilgrimage Research, Bi-monthly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization, 5(2), 1-34. (In Persian)
- Tajbakhsh, Gholam Reza (2019). The Arbaeen Pilgrimage and Its Educational

- Dimensions, Basirati va Tarbiyat Islami, 17(54), 62-41. (In Persian)
- Tajbakhsh, Gholam Reza (2022). The Harms of the Arba'in Pilgrimage of Hussein: A Sociological Study, *Shia Studies*, 8(22), 137-113. (In Persian)
- Tisdell, Elizabeth J. (2013). *We Make the Way by Walking: Spiritual Pilgrimage and Transformative Learning While Walking the Camino De Santiago*. Adult Education Research Conference. <https://newprairiepress.org/aerc/2013/papers/48> .
- Turner, Victor (1991). *The ritual process structure and anti-structure*. Ithaca, New York: Cornell University Press, Seventh printing.
- Turner, Victor (1991). *The ritual process*, ITHACA, NEW YORK, Cornell Paperbacks Cornell University Press, Seventh printing.
- Van Gennep, Arnold (1960). The rites of passage, Translated Monika, B. Vizedom and Gabrielle L. Caffee, The University of Chicago Press.
- Yaghoubi, Elham; Aslipour, Hossein & Mirvahidi, Seyed Saeed (1400), Investigating the components and process of providing public services by NGOs during the Arbaeen walk based on a causal mapping approach, *Basij Strategic Studies Quarterly*, 24(91), 205-239. (In Persian)
- Zal, Mohammad Hassan; Tabrizi, Nazanin & MehraliTabar Firouzjaei, Morteza (2016). The effects of religious tourism on rural spaces: Case study: Oji Abad village in Amol city, *Economics of Space and Rural Development*, 5(15), 102-83. (In Persian)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی